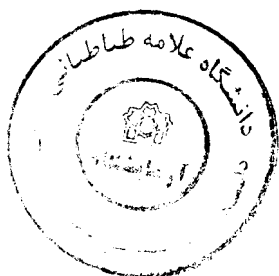


بسمه تعالی

تفسیر بالینی گودیناف

آزمون تصویر آدمک گودیناف
و بررسی شخصیت کودک
بر اساس ترسیم آدمک



مؤسسه تحقیقاتی علوم رفتاری سیما (روان تجهیز)

طراح و تولید کننده تجهیزات آزمایشگاهی روان شناسی و آزمون های روان شناختی

تهران - بزرگراه شهید باقری - بین رسالت و فرجام - ضلع غربی بزرگراه - نیش گلستان یکم - شماره ۶۰

تلفن ۷۷۲۹۷۷۷۳ [Site:WWW.ravantajhiz.ir](http://WWW.ravantajhiz.ir) نمابر ۷۷۷۰۰۶۴۹

آزمون یا تست عبارتست از وسیله ای که به طور علمی تهیه می شود و برای اندازه گیری عینی استعدادها و تواناییهای فردی به کار می رود.

نقش اصلی هر آزمون روانی اساساً اندازه گیری تفاوت‌های فردی یا تفاوت‌هایی است که در فرد بخصوصی در مواقع مختلفی دیده می شود..

این امر که شرایط اجرای آزمون تا چه اندازه می تواند نتایج آن را تحت تأثیر قرار دهند ، نکته ای است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد. تحقیقات نشان می دهد که عوامل بی شمار ظریفی ممکن است نمره های آزمونهای توانایی و شخصیتی را تحت تأثیر قرار دهند. مثلاً اجرای آزمون توسط شخص آشنا یا فرد کم اطلاع ، تفاوت معنی داری را در نتایج آزمونها به وجود می آورد. صلاحیت و آمادگی های متعددی لازم است تا شخص بتواند به آزمایش های روان شناختی اقدام کند. کاربرد آزمونها ، فنی است که تنها از طریق آموزش منظم و طولانی کسب می شود. انتقال این فن به افراد ذی صلاح را نیز فقط باید مراکز علمی بر عهده بگیرند.

آندره ری روان شناس سوئسی ، در مورد لزوم آموزش شغلی اجراکنندگان آزمونها چنین می نویسد: « همه مردم می توانند رادیوگرافی یاد بگیرند، زیرا رادیوگرافی نوعی فن عکاسی است . اما ، برای تشریح ، تفسیر و اخذ حداکثر نتیجه از عکس ، وجود متخصصان باتجربه لازم خواهد بود. در مورد تشخیص به کمک آزمونهای روانی نیز همین گفته صادق است. اگرچه اجرای آزمونها ، در صورت داشتن صلاحیت ، خیلی آسان می شود و هرچند تفسیر بعضی نتایج خاص هم بسیار آسان به نظر می رسد ، پیچیدگی و دشواری تشخیص ، در صورتی که بخواهیم سازمان ذهنی فرد را به طور عمیق تحلیل کنیم ، همچنان به جای خود باقی خواهد بود.»

برای جلوگیری از استفاده های نابجا از آزمونهای روانی ، تعیین برخی ضابطه های علمی در مورد آزمونها و تفسیر نتایج آن ضروری است. رعایت این شرط که آزمونها توسط افراد واجد صلاحیت به کار روند ، نخستین قدم در زمینه جلوگیری از کاربردهای نابجای آزمونهای روان شناختی است. اینکه اجراکننده آزمون واجد چه شرایطی باشد ، بستگی به نوع آزمون دارد. مثلاً کاربرد صحیح آزمونهای انفرادی هوشی و اغلب آزمونهای شخصیت مستلزم گذراندن کارگاههای آموزشی یا دوره های کارورزی زیر نظر متخصصان است. در حالی که در مورد آزمونهای پیشرفت تحصیلی یا مهارت شغلی داشتن اطلاعات عمومی در زمینه روان شناسی کافی است.

آزمون تصویر آدمک گودیناف

به طور کلی روش نمره گذاری در آزمون تصویر آدمی گودیناف از این قرار است که به هر قسمتی از تصویر یک نمره تعلق می‌گیرد که مجموع آنها از ۵۱ تجاوز نمی‌کند. با استفاده از جدول مخصوص نمره

خام تبدیل به سن عقلی می‌شود. و از رابطه $۱۰۰ \times \frac{\text{سن عقلی}}{\text{سن تقویمی}}$ بهره‌ر هوشی کودک بدست می‌آید.

- ۱ - سر وجود داشته باشد.
- ۲ - پا کشیده شده باشد.
- ۳ - دست کشیده شده باشد (یک یا هر دو دست).
- ۴ - بدن کشیده شده باشد.
- ۵ - طول بدن طویل‌تر از عرض آن باشد.
- ۶ - شانه‌ها کشیده شده باشد.
- ۷ - بازوها و پاها به تنه چسبیده شده باشند.
- ۸ - پاها به تنه و دستها به تنه در نقاط انتظار رفته چسبیده شده باشند.
- ۹ - گردن کشیده شده باشد.
- ۱۰ - دنبال گردن به سروتنه مربوط باشد.
- ۱۱ - چشمها کشیده شده باشد.
- ۱۲ - بینی کشیده شده باشد.
- ۱۳ - دهان کشیده شده باشد.
- ۱۴ - دو لب دیده شوند.
- ۱۵ - سوراخها یا حفره‌های بینی کشیده شده باشد.
- ۱۶ - موها کامل کشیده شده باشد.
- ۱۷ - علامتی از لباس کشیده شده باشد.
- ۱۸ - علامتی از لباس کشیده شده باشد.
- ۱۹ - دو قطعه لباس کشیده شده باشد.
- ۲۰ - تمام بدن پوشیده از لباس باشد.
- ۲۱ - چهار قطعه لباس مشخص باشد (کراوات، کلاه، جوراب، کفش، پیراهن و کت و شلوار).
- ۲۲ - لباس رسمی یا یونیفورم باشد (یونیفورم مدرسه هم نمره می‌گیرد).
- ۲۳ - انگشتان کشیده شده باشد (هر اثری از انگشت کافی است)

- ۲۴ - تعداد انگشتان درست باشد.
- ۲۵ - شکل و قواره انگشتان درست باشد.
- ۲۶ - شست متمایز باشد.
- ۲۷ - دست متمایز از انگشتان باز باشد (کف دست کشیده شده باشد).
- ۲۸ - بازوها کشیده شده باشد.
- ۲۹ - زانو کشیده شده باشد.
- ۳۰ - تناسب سر نسبت به بدن مراعات شده باشد.
- ۳۱ - تناسب بازوها و دستها نسبت به بدن حفظ شده باشد.
- ۳۲ - پاها متناسب کشیده شده باشد.
- ۳۳ - کف پا متناسب باشد.
- ۳۴ - پاها متمایل به بالا نباشد.
- ۳۵ - دستها و پاها دوبعدی کشیده شده باشد.
- ۳۶ - پاشنه کفش یا پاشنه پا کشیده شده باشد.
- ۳۷ - هماهنگی خطوط کلی حفظ شده باشد (دست نلرزیده باشد).
- ۳۸ - هماهنگی خطوط کلی و جزئی حفظ شده باشد (نقاشی دقیق باشد).
- ۳۹ - هماهنگی خطوط سر (موها و دور سر به دقت کشیده شده باشد).
- ۴۰ - هماهنگی خطوط تنه حفظ شده باشد.
- ۴۱ - هماهنگی خطوط دستها و پاها حفظ شده باشد.
- ۴۲ - هماهنگی خطوط چهره حفظ شده باشد.
- ۴۳ - گوشها کشیده شده باشد.
- ۴۴ - تناسب گوشها حفظ شده باشد.
- ۴۵ - مردمک چشم کشیده شده باشد.
- ۴۶ - تناسب چشم حفظ شده باشد.
- ۴۷ - در تصاویر نیمرخ و تمام رخ چشم دارای حالت باشد.
- ۴۸ - چانه و پیشانی هر دو کشیده شده باشد.
- ۴۹ - برآمدگی شانیه در تصویر نیمرخ معلوم باشد.
- ۵۰ - نیمرخ ناقص باشد. (یعنی تنه و نیمرخ ناقص).
- ۵۱ - نیمرخ باشد.

جدول تبدیل نمرات خام به سن عقلی

نمره خام	سن عقلی	نمره خام	سن عقلی	نمره خام	سن عقلی	نمره خام	سن عقلی
۱	۳-۳	۱۱	۵-۹	۲۱	۸-۳	۳۱	۱۰-۹
۲	۳-۶	۱۲	۶-۰	۲۲	۸-۶	۳۲	۱۱-۰
۳	۳-۹	۱۳	۶-۳	۲۳	۸-۹	۳۳	۱۱-۳
۴	۴-۰	۱۴	۶-۶	۲۴	۹-۰	۳۴	۱۱-۶
۵	۴-۳	۱۵	۶-۹	۲۵	۹-۳	۳۵	۱۱-۹
۶	۴-۶	۱۶	۷-۰	۲۶	۹-۶	۳۶	۱۲-۰
۷	۴-۹	۱۷	۷-۳	۲۷	۹-۹	۳۷	۱۲-۳
۸	۵-۰	۱۸	۷-۶	۲۸	۱۰-۰	۳۸	۱۲-۶
۹	۵-۳	۱۹	۷-۹	۲۹	۱۰-۳	۳۹	۱۲-۹
۱۰	۵-۶	۲۰	۸-۰	۳۰	۱۰-۶	۴۰	۱۳-۰
						۵۱	بالتر از ۱۲

بررسی شخصیت کودک براساس ترسیم آدمک

دستور اجرا و شرایط بکار بستن آزمون

آزمون را می‌توان بصورت فردی یا گروهی اجرا کرد هر کودک یک جعبه مداد رنگی که شامل هفت رنگ است دریافت می‌کند. آبی، سبز، قرمز، زرد، بنفش، قهوه‌ای و سیاه.

همچنین یک مداد سیاه یک مداد پاک کن و یک ورقه کاغذ به ابعاد $21 \times 9/5$ به صورت عمودی در اختیار کودک قرار داده می‌شود آزمایشگر به آزمودنی می‌گوید:

"روی این کاغذ یک آدمک (یا آدم) بکش تا آنجائیکه می‌شود قشنگ باشد و اگر دلت خواست آنرا رنگ کن" می‌گذاریم که آزمودنیها هر طور دلشان می‌خواهد نقاشی کنند بدون آنکه به آنها کمک کنیم و یا به انتقاد ارزشیابی یا تلقین مبادرت نمائیم فقط به آزمودنیهایی که تردید هائی نشان می‌دهند باید گفته شود، "خوبه، ادامه بده".

اگر کودکی به طرح پرسشهایی در باره شیوه اجرای ترسیم مبادرت کرد به او گفته می‌شود که "هر کاری می‌خواهی بکن، هر طور دلت می‌خواهد، همان جوری خوبه".

آزمودنیها را در مورد انتخاب جای نقاشی ابعاد آن، استفاده از کاغذ در جهتی غیر از آنکه به وی ارائه شده است اضافه کردن عناصر دیگری غیر از موضوع پیشنهاد شده.

رنگهای بکار رفته، یا اقتناع از رنگ کرده و جز آن آزاد می‌گذاریم چه انتخاب ارتجالی همه این شیوهها واجد معانی است.

می‌توان یک مداد تراش در اختیار آزمودنی گذاشت تا هر کودک همه رنگها را در اختیار داشته باشد. نام و نام خانوادگی و تاریخ تولد کودک روی ورقه نوشته شود.

تذکره: اجرای دقیق این دستورالعمل بسیار اهمیت دارد تجربه نشان داده است که کوچکترین

تغییری در دستور اجرا می‌تواند در تحقق ترسیم تغییرات مهمی ایجاد کند دستور اجرا باید نسبت به جنسیت واجد ابهام باشد.

وقتی آزمون بصورت فردی اجرا می‌شود یادداشت فرآیند کار آزمودنی بسیار آموزنده است از کجا شروع می‌کند، چه چیزهایی را پاک می‌کند و تغییر می‌دهد کارش بصورت منظم و تعقلی است یا براساس الهامات لحظه‌ای و واجد برانگیختگی، همچنین باید گفته‌های ارتجایی کودک یادداشت شوند چه از این راه می‌توان اطلاعات جالبی بدست آورد که به روشن شدن معمای پاره‌ای از جنبه‌های غیر قابل درک ترسیم کمک می‌کنند.

از آزمودنی‌های بزرگتر حتی می‌توان درخواست کرد که مقاصد خود را در مورد نقاشی اجرا شده به تعریف یک قصه از زبان خودشان یا از زبان شخص ترسیم شده (مثل نقاشی‌های متحرک) بیان کنند. می‌توان بیان فکر کودک به پاس یک پرسشنامه تسهیل کرد: آدمک چند سالش است، مرد است یا زن است (در صورتیکه مشخص نباشد) کجای آدمک را بهتر کشیده‌ای؟ کجای آدمک را بدتر کشیده‌ای؟ داره چکار می‌کنه؟ آیا چیزی کم داره؟ آیا راضی و خوشحال است؟ آیا کار بدی کرده؟ آیا دوستش دارند؟ آیا عصبانی است؟ آیا می‌ترسد؟ و جز آن.

همچنین می‌توان براساس روش مک‌اوور از کودک خواست که به ترسیم متوالی دوشخص (یک زن و یک مرد) پردازد. پاره‌ای از مؤلفات با استفاده از شیوه ترسیم متوالی چندین آدمک به تجسمات بیش از پیش عمیق قدیمی و ناهشیارانه شخصیت دست یافته‌اند.

حتی می‌توان از کودک خواست که بر ترسیم آدمکی که احساساتی را نشان می‌دهد پردازد: آدمک خوشبخت، بدبخت، خشمگین، وحشت زده و ... چنین شیوه‌ای به بروز انگیزه‌هایی در ارتباط با خوشبختیها یا بدبختیها، خشمها یا ترسهای مشخص آزمودنی منجر می‌شود.

محدودیت سنی بین ۱۴-۲ سال است و محدودیت وقت ندارد.

بخش دوم کتاب روانشناسی بالینی برگسون

ساختمان مقیاس رشد یافتگی

علامت‌هایی را که در نقاشی‌های کودکان به‌نچار ظاهر می‌شود می‌توان بدو گروه بزرگ تقسیم کرد:

۱- علائمی که گاه‌گاه در همه سنین مشاهده می‌شوند یا آنکه هر چند فراوانی آنها براساس سن افزایش می‌یابد، اما هرگز بفراوانی قابل ملاحظه‌ای (۷۵٪) منجر نشده و استقرار نمی‌یابد این نوع علامتها را علائم متفرق یا پراکنده نامیده‌اند.

۲- علائمی که فراوانی آنها منظمًا با سن افزایش می‌یابد و به حد ۷۵٪ می‌رسند این علامتها را علائم تحولی نامیده‌اند در مقیاس رشد یافتگی فقط علائم تحولی در نظر گرفته شده و براین اساس هفتاد ماده پذیرفته شده است برای آنکه اهمیت نسبی که کودکان برای بخشهای مختلف اندام آدمک قائل می‌شوند برجسته گردد. مقیاس کلی به سه مقیاس جزئی تقسیم شده است:

الف - سر (۲۲ ماده) ب - طرح بدنی (۲۲ ماده) ج - لباس (۱۴ ماده)

یک مقیاس چهارم که در مقیاس کلی گنجانده نشده است در ارتباط با بکار بستن رنگ

است.

شخصیت کودک براساس ترسیم آدمک

فهرست هفتاد ماده جزئیات تحولی به قرار زیر است:

الف. سر

۱- وجود سر: سر معمولًا بصورت یک دایره کم و بیش نامنظم است.

۲- وجود چشمان: بصورت یک نقطه یا با جزئیات بیشتر نشان داده می‌شود.

۳- وجود دهان: بصورت یک نقطه یا خط افقی

۴- وجود بینی: بصورت یک خط عمودی یک دایره دو نقطه یا با جزئیات بیشتر ترسیم می‌شود.

- ۵- وجود موها: حتی اگر بصورت چند خط ساده یا هاشور نشان داده شود اما رنگ آن با واقعیت منطبق باشد (قهوه‌ای، سیاه، زرد).
- ۶- رنگ واقع نگر صورت: زمینه صورت یا نباید رنگ شده باشد یا رنگ صورتی باشد و خط پیرامونی در هر دو مورد باید مداد سیاه کشیده شده باشد. رنگها، چشمها، دهان یا عناصر دیگر صورت می‌تواند واقع نگر نباشد.
- ۷- رنگ واقع نگر چشمان: رنگهای سیاه، قهوه‌ای، آبی، سبز پذیرفته می‌شود و همچنین اگر رنگ بکار نرفته باشد نمره داده نمی‌شود.
- اگر کودک مردمک چشم یا کره چشم را رنگ کرده باشد اهمیت ندارد.
- ۸- رنگ واقع نگر دهان یا حدود دهان باید با مداد سیاه یا با مداد قرمز مشخص شده باشد.
- ۹- شکل بیضی چشمان: چشمها باید با دو خط کشیده شده باشند یا آنکه یکسره رنگ شده باشند اما درازای آنها به صورت افقی باشد.
- ۱۰- وجود لااقل دو جزء مثل ابرو، پلک، مردمک در چشمها.
- ۱۱- واقع نگری کامل رنگ چهره و خط پیرامون صورت باید با مداد سیاه کشیده شده و زمینه آن صورتی یا بدون رنگ باشد هیچیک از رگه‌های چهره نباید شامل رنگهای غیر واقعی باشند مثلاً "بینی قرمز چشمان بنفش مژه‌های سبز و جز آن چشمها می‌توانند آبی، سبز، قهوه‌ای یا سیاه باشند و دهان بدون رنگ یا قرمز.
- ۱۲- شکل تحول یافته دهان، دهان باید با دو خط کشیده شده و بشکل بیضی باشد.
- ۱۳- فاصله صحیح چشمها که مرکز چشمها باید صورت را به سه بخش مساوی تقسیم کند.
- ۱۴- جای درست قرار گرفتن صحیح چشمها از لحاظ طول نسبت به درازای صورت به چشمها باید تقریباً در وسط طول سر (یا در نظر گرفتن موها) قرار گرفته باشد.
- ۱۵- شکل پیشرفته یا بسیار پیشرفته بینی.
- ۱۶- شکل پیشرفته یا وجود "مدل" در موها: موها باید طوری ترسیم شده باشد که دور سر را بدون شفافیت قرار گیرند یا واجد یک مدل خاص شوند (فرق سر موهای بافته قبول نیست).

۱۷- رنگ واقع‌نگر بینی: در ترسیم بینی فقط خط سیاه پذیرفته می‌شود (قرمز قابل قبول نیست).

۱۸- حداقل وجود سه جزء در چشمها: مژه، ابرو، مردمک، پلک.

۱۹- وجود مردمک چشم.

۲۰- وجود ابروها.

۲۱- وجود رنگ قرمز دهان.

۲۲- مدل مخصوص موها: فرق سر یا موهای بافته یا حلقه‌های موها باید نشان داده شده باشد.

۲۳- جای صحیح چشمها از طول و از عرض، به مواد ۱۳ و ۱۴ رجوع شوند هر دو علامت باید

موجود باشند.

۲- طرح بدنی:

۱- آدمک قابل شناسایی: چند عنصر بدن یا سر باید وجود داشته و قابل تمایز باشند و فقط بصورت

چند خط پراکنده ترسیم نشده باشند.

۲- نقاشی در صفحه واجد جهت باشد: محور عمودی آدمک باید به موازات کناره‌های کاغذ بوده و به

صورت مایل نباشد (مثل اینکه در حال افتادن است) مگر آنکه آزمودنی عمداً بخواهد حرکتی را نشان

دهد.

۳- لااقل دو جزء از جزئیات زیر باید موجود باشند: سر، چشمها، دهان، موها، تنه یا ساقهای پا.

۴- وجود تنه: بهر شکلی که ترسیم شده باشد خط یا شکل هندسی مانند دایره، بیضی، مربع،

مستطیل یا مثلث.

۵- وجود بازوها: هر شکلی پذیرفته می‌شود. خطوط ساده یا پیچیده حتی اگر در محل صحیح قرار

نگرفته باشند.

۶- وجود ساقها: هر شکلی پذیرفته می‌شود. خطوط ساده یا پیچیده حتی اگر در محل صحیح قرار

نگرفته باشند.

۷- بازوها وصل به بالاتنه: بازوها نباید به سر به گردن یا به ساقها متصل باشند بلکه باید به بالا تنه وصل باشند حتی اگر جای اتصال آنها درست نباشد یا اگر گردن کشیده نشده باشد می توان حد بین سر و بالا تنه را پذیرفت.

۸- ساق ها وصل به بالا تنه: ساقها نباید به سر متصل باشند بلکه باید به بالاتنه وصل باشند حتی اگر در این اتصال بی مهارتی دیده شود.

۹- وجود پاها: پاها باید بوسیله یک خط ساده که با ساقها یک زاویه را تشکیل می دهد کشیده شده باشند یا آنکه بصورت دایره ای که بدنبال ساقها می آید ترسیم شوند یا آنکه بصورتی پیشرفته تر (دوخط، ترسیم کفشها) کشیده شده باشند.

۱۰- درازای تنه بیش از پهنای آن با تنه می تواند بصورت یک خط ساده، یک بیضی، یک مستطیل یا شکلی "منعطف تر" باشد بشرطی که درازای آن بیش از پهنای آن باشد.

۱۱- بازوها با دو خط و نه فقط با یک خط.

۱۲- ساقها با دو خط و نه فقط با یک خط.

۱۳- ترسیم پیرامون شکل با مداد سیاه: تمام خط پیرامون آدمک (سر، تنه، اعضاء) باید با مداد سیاه و نه با مداد رنگی کشیده شده باشد عبارت دیگر کودک باید نخست آدمک را ترسیم کند و سپس رنگ کند.

۱۴- وجود انگشتان، انگشتان باید وجود داشته باشند حتی اگر بصورت خطوط ساده است تعداد آنها در نظر گرفته نمی شود.

۱۵- بازوها به نسبت درست: بازوها (به انضمام دستها) باید واجد نسبتهایی باشند که لااقل بین

$$۱ \text{ و } \frac{۱}{۴} \text{ تا } ۵ \text{ و برابر } \frac{۱}{۴} \text{ و } ۱ \text{ تا دو برابر طول تنه باشند (نسبت } \frac{\text{تنه}}{\text{بازوها}} = ۱/۲۵ \text{ تا } ۲).$$

۱۶- تنه "منعطف" تنه دیگر نباید یک شکل هندسی (دایره، بیضی، مربع مستطیل یا مثلث داشته باشد بلکه باید واجد خطوطی باشد که کمتر اجمالی بوده و به واقعیت نزدیکترند.

۱۷- وجود گردن: با یک خط یا دو خط کشیده شده باشد.

۱۸- ساقها به نسبت درست: ساقها باید بین $\frac{۳}{۴}$ تا $\frac{۱}{۴}$ و ۱ طول تنه باشند (نسبت تنه به ساق مساوی

$۰/۷۵$ تا $۱/۲۵$).

- ۱۹- بازوها متصل به تنه در جای صحیح: بازوها باید به زیر گردن (در صورتی که گردن کشیده شده باشد) ترسیم شانه الزامی نیست.
- ۲۰- شکل "منعطف" ساقها: ساقها (با دو خط) بصورت تیره چوب صاف یا طرح ناقصی نباشد و نوعی انعطاف در خطوط مشاهده شود.
- ۲۱- گردن "منعطف": خط گردن و خط تنه پیوسته، بدون تشکیل یک زاویه حاده ترسیم شده باشند حتی اگر شانه کشیده نشده باشد.
- ۲۲- جنسیت قابل شناسایی: وجود شلوار کفایت نمی کند چه پاره‌ای از دختران هم شلوار می پوشند فقط به مدل موها (جز در بعضی موارد مثل موهای بافته) نیز نمی توان استناد کرد.
- ۲۳- واقع نگری رنگ دستها: انگشتان یا دستها یا باید صورتی (نه قرمز) و یا فاقد رنگ باشند و هم رنگ بودن دستها و چهره الزامی نیست.
- ۲۴- اتصال ساقها: بدون فضای واسطه‌ای: مدت‌ها ساقها به بالاتنه به گونه‌ای متصل می‌شوند که یک فضای کم و بیش بزرگ بین آنها وجود دارد این فضا دیگر نباید وجود داشته باشد باید فاصله ساقها زیاد نبوده و به نظر آید که در زیر دامن بیکدیگر متصل شده‌اند.
- ۲۵- پنج انگشت در هر دو دست مشخص شده باشند یا شست بصورت متفاوت از انگشتان که بشکلی کلی ترسیم شده‌اند نشان داده شده باشند.
- ۲۶- وجود شانه‌ها: یک زاویه یا خط انحنا دار که نشان دهنده شانه است در حد اتصال بازوها و تنه وجود داشته باشد.
- ۲۷- نسبت درست سر: درازای تنه باید بین $\frac{2}{3}$ تا $\frac{3}{4}$ درازای سر باشد و حد بهنجار نسبت تنه به سر مساوی $\frac{1}{5}$ تا $\frac{2}{75}$ می باشد.
- ۲۸- مشخص بودن سن: سن آدمک آشکارا براساس یکی از جزئیات صورت (ریش، سیل، چین و چروک) یا براساس ویژگی لباس، یا بر مبنای یک شیء خاص (سیگار، پیپ، اسباب بازی، لوازم و جز آن) متمایز شده باشد شخص ترسیم شده می‌تواند یک کودک، یک بزرگسال یا یک فرد مسن باشد.

۲۹- وجود دستها (کف دست): یک فضا باید بین آستین و انگشتان ترسیم شده باشد ضمناً "آستین و

انگشتان هم باید کشیده شده باشند.

۳۰- اتصال ساقها بدون تعیین حد: شلوار باید تا کمر ادامه داشته باشد بدون آنکه خطی در حد اتصال

ساقها به تنه ترسیم شده باشد در صورت وجود دامن نمره منظور می شود.

۳۱- اتصال بازوها به تنه بدون تعیین حد: نبودن خطوط مشخص بین بازوها و تنه، خطوط تنه و بازو

به یکدیگر پیوسته اند.

۳۲- وضعیت منطقی پاها: نسبت به ساقها پاها یا باید واجد نما باشند یعنی نوک آنها با فاصله زیاد یا

کم اما بصورت قرینه ای ترسیم شده باشند.

اگر آدمک بصورت تمام رخ ترسیم شده باشد جهت هر دو پا نباید به یک طرف باشد موضع کاملاً

عمودی که تداوم ساقهاست پذیرفته نمی شود مگر آنکه قوانین نما کم و بیش در نظر گرفته شده باشند که در

اینصورت عرض پاها از طول آنها بیشتر است.

۳۳- رنگ مشابه و واقعی نگر صورت و دستها: صورت و دستها باید واجد رنگ مشابهی باشند

صورتی یا بدون رنگ.

۳- لباس:

۱- وجود لباس: هاشور یا رنگهایی را با رنگ چهره و بقیه اندام متفاوت باشند می توان به منزله وجود

لباس تلقی کرد.

۲- وجود لا اقل یک جزء لباس از فهرست زیر: دکمه ها، کمر بند، شل، تزئینات پارچه، (خط)

نقطه، کل و جزء آن، کراوات، جلیقه، دستکش، یقه، جیب، جواهرات، کلاه و کفش، پاشنه کفش، بند کفش، جوراب یا هر جزئی دیگر از لباس.

۳- وجود شلوار: متفاوت یا بالای تنه لباس یا براساس شکل آن، دو خط الزامی است یا براساس رنگ آن باید

بالای لباس فرق داشته باشد یا وجود یک دامن که می تواند از بالای تنه لباس متمایز باشد یا نباشد.

۴- وجود کمر بند: کمر بند می تواند با یک خط مشخص شده باشد در صورتیکه جای آن درست باشد یا آنکه با دو خط کشیده شده باشد، در صورتیکه این خطوط در شروع ساقها قرار گرفته باشند.

۵- وجود کفشها: ترسیم یا (یا دوخط) و یک خط متمایز کننده با رنگ متفاوت که پا را از شلوار جدا کند کفایت می کند.

۶- لااقل دو جزء لباس: از بین فهرستی که در ماده ۲ ارائه شد.

۷- آستین و بالاتنه لباس یک رنگ باشند:

به این ماده نمره تعلق می گیرد. اگر جلیقه ای با رنگ متفاوت ترسیم شده باشد اما بتوان یقه بلوز یا قسمت جلوی آنرا مشاهده کرد.

۸- آستین جدا از دستها: یک خط باید دست و آستین را در حد مچ دست یا بالاتر (آستین کوتاه) از یکدیگر جدا کند. یا دست و بازو به رنگهای متفاوت باشند تا بتوان حدس زد که آستین ترسیم شده است یک سطح برتر که به حد $0/75$ در هیچ سنی نرسیده است نیز وجود دارد و آن در صورتی است که آستین از بازو (جدا شده) باشد.

۹- وجود لااقل سه جزء لباس از بین فهرستی که در ماده ۲ ارائه شده.

۱۰- بالاتنه مجزا یا نامتصل به گردن: یک خط باید یقه لباس را مشخص کند گردن نباید برنگ لباس باشد، گاهی یقه کاملاً ترسیم می شود و لباس آشکارا از گردن متمایز است.

۱۱- شلوار نامتصل به ساقها: ساقها باید از شلوار که پهن تر از ساق است بیرون آمده باشند.

۱۲- واقع نگری رنگ کفشها: فقط رنگهای سیاه، قهوه ای یا بیرنگ پذیرفته می شود.

۱۳- وجود لااقل سه جزء لباس: از آنهایی که در ماده ۲ ذکر شد.

۱۴- آدمک معرف شخص معینی باشد، لباس آدمک بازشناسی یک سرباز، یک ورزشکار، یک دلقک

یا جز آنرا بدهد.

شیوه تحلیل ترسیم آدمک

جنبه‌های کلی ترسیم:

الف - محل ترسیم در صفحه: برای تعیین محل ترسیم ورقه کاغذ به وسیله دو خط عمود و دو خط افقی به ۹ ناحیه مساوی تقسیم می‌شود و مرکز نقاشی آدمک نسبت به این نواحی مشخص می‌گردد.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ناحیه مرکزی بیش از نواحی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد (هر چند در حدود ۱۳ درصد این ترسیمها در مرزهای ناحیه مرکزی قرار گرفته‌اند انتخاب گوشه‌های صفحه نادرتر و نابهنجارتر از انتخاب نواحی میانه برونی است از این زاویه تفاوت دختران و پسران معنادار نیست اما باید خاطر نشان شود که مرکز روانشناختی صفحه با مرکز هندسی آن مطابقت کامل ندارد و مرکز نخست اندکی به طرف قسمت چپ گرایش داشته باشد آزمودنی بیشتر گرایش به بیان هیجانات بلافاصله خود دارد و رفتاری کودکانه نشان می‌دهد.

به هر اندازه بطرف راست متمایل باشد بیشتر نشان دهنده نیروی مهار عقلی و رشد یافتگی است.

همچنین ناحیه چپ معرف دلبستگی به مادر است و ناحیه راست دلبستگی به پدر را نشان می‌دهد. اگر صفحه کاغذ را در جهت عمودی در نظر بگیریم پایین صفحه نشان دهنده مادی نگری و بالای صفحه معرف آرمان نگری و زندگی تخیلی است.

پاره‌ای از مولفان به این نتیجه دست یافته‌اند که دختران بیش از پسران متمایل به ترسیم آدمک خود در بالای صفحه هستند. اما پژوهش کنونی نتوانسته است به تفاوت‌های معنی‌داری در این مورد دست یابد.

بررسی براساس سن نشان می‌دهد که موقعیت ترسیم در ناحیه مرکزی از پایین‌ترین سنین غلبه دارد اما تدریجاً این غلبه افزایش می‌یابد و از ۴۴٪ در سه سالگی به بیش از ۷۵٪ در ۷ سالگی و در سن ۱۲ سالگی به ۱۰٪ می‌رسد و در نتیجه می‌توان مرکز موقعیت مرکز آدمک در نواحی خارجی را به منزله نابهنجاری تلقی کرد.

تفسیر

مقدمه‌ای راجع به مفهوم ترسیم در روانشناسی

۱- جنبه‌های کلی: در واقع موضع نقاشی محل ترسیم در صفحه ابعاد و نسبتها، خطوط ترسیم موضع آدمک و قرینه‌سازی - وضعیت اندام و حرکت، رنگ، ترسیم یک شخص معین از لحاظ سن، جنس، هویت، حالت آدمک و بالاخره پیرامون آن.

۲- جنبه تحلیلی: سر، تنه، اعضاء و لباس است.

مؤلف توصیه می‌کند برای آماتورها حتماً جدا جدا براساس همین فهرست نمره گذاری شود.

۱- ابعاد: اندازه‌گیری آدمک با افزایش سن کودک افزایش می‌یابد و با رشد اندام وی مطابقت دارد.

معهدا این ویژگی فقط در دختران مشاهده شده است که آدمک آنها در خلال ده سال دو برابر می‌شود و بطور متوسط از ۹ سانتی متر در ۳ سالگی به ۱۸ سانتی متر در ۱۲ سالگی می‌رسد در حالیکه قد آدمک ترسیم شده توسط پسران در حد متوسط ۱۴ سانتی متر پایداد می‌ماند.

بنابراین وقتی می‌خواهیم به ارزشیابی قد آدمک مبادرت ورزیم باید این ویژگیها را در نظر بگیریم و اندازه نقاشی بیانگر درجه خود سنجی و گسترش جویی نقاشی است.

یک آدمک بزرگ به معنای اعتماد بنفس، ایمنی و شگفتی است (رهبران و برندگان) و گاهی احتمالاً فقدان بازداری، کنترل خود و احترام بدیگران را نشان می‌دهد و در پاره‌ای مواقع مبین گرایش به گسترش جویی است (شاید براساس جبران).

یک آدمک کوچک به معنای در هم فشردگی شخصیت کمروسی و ترس است باید متذکر شد که آدمکهای کوچک غالباً در نواحی برونی ورقه کاغذ ترسیم می‌شوند.

۲- نسبتها: برای تعیین چگونگی تحول نسبتها براساس سن باید درازای سر، درازای بازو و ساقها را با درازای تنه در رابطه گذاشت بطور کلی میانگین نسبت بازوها و ساقها براساس سن تغییر نمی‌کند در مورد

بازوها میانگین مساوی ۱/۵ است (بنابراین معمولاً " بازوها کمی درازتر از تنه هستند) حدود بهنجاری که به ۵۰٪ آزمودنیها پوشش می دهد بین ۱/۲۵ تا ۲ می باشد.

$$\frac{\text{بازو}}{\text{تنه}} = \frac{\text{تنه}}{\text{بازو}}$$

در مورد ساقها میانگین مساوی با یک است (بدین معنی که معمولاً " طول ساقها با تنه مساوی است)، (حدود بهنجاری پذیرفته شده بین ۰/۷۵ تا ۱/۲۵ است).

برخلاف نسبتهای بازوها و ساقها نسبتهای سر براساس سن تغییر می کند به عبارت دیگر در نقاشی کودکان سر به اندازه های کوچکتر ترسیم می شود.

میانگین نسبت تنه به سر در ۵ سالگی مساوی ۱/۵ در شش سالگی ۱/۷۵ و از ده سالگی به بعد مساوی ۲ است.

انحراف از میانگین نیز با افزایش سن تقلیل می یابد. می توان رابطه $\frac{\text{تنه}}{\text{بازو}}$ را در حد بهنجار دانست

اگر:

از چهار تا ۹ سالگی بین ۰/۷۵ و ۳ قرار داشته باشد. از ۹ تا ۱۲ سالگی بین ۱/۲۵ و ۲/۷۵ قرار داشته باشد.

۳- خطوط ترسیم:

چگونگی حرکت دست در نقاشی می تواند آشکار کننده مهارت حرکتی، کنترل عصب شناختی و حتی آسیب شناسی مغزی باشد بی مهارتی حرکتی و ارگانیکی براساس مشکلات آزمودنی در ترسیم منحنی ها و زوایا، در مهار کردن فشار بر کاغذ و در تحقق قرینه ها آشکار می گردد اما خطوط ترسیم شده ترجمان حالات هیجانی آزمودنی نیز هستند.

خط توأم با فشار و ضخیم حسی نگری است خط برانگیخته ای که تا حد پاره کردن کاغذ پیش می رود نشان دهنده نارضایتی و پرخاشگری است.

خط کمرنگ نشان دهنده حساسیت، ملایمت و ظرافت است و گاهی نیز تردید کمرویی و فقدان اعتماد بنفس را نشان می‌دهد.

گاهی فشاری که وارد آورده می‌شود در نواحی مختلف ترسیم متفاوت است و بین ناحیه تعارضی است تنش درونی آزمودن را وادار می‌کند تا خطوط را تقویت کند آنها را سایه‌دار نماید و حتی بدور نقاشی خود یک دایره حفاظتی بکشد.

خطوط مطمئن و مستقیم و مبین اعتماد به خود مصمم بودن و همچنین نوعی فقدان حالت شهودی و تأثیرپذیری است بالعکس خطوط منقطع در آزمودنیهای شهودی مردد، و کمال جویده می‌شود. براساس نظر مک‌اوور نقطه گذاری نشان دهنده وجود مادری عصبی و "جزئی نگر" است.

اما پاره‌ای دیگر از مولفان بر این عقیده‌اند که چنین ویژگی در ترسیم مبین مقابله با احساس گنهکاری است که از خود شهوت‌گرایی یا بی‌اختیاری ادرار ناشی شده است. خطوط موازی، سایه‌ها و چهارخانه‌ها در افراد مضطرب دیده می‌شود.

سایه‌ها و رنگهای خاکستری نشانه افسردگی هستند ابعاد آنها و زمانی را که کودک به آن اختصاص می‌دهد بیش از وجود سایه‌ها به تنهایی اهمیت دارند.

خطوط شکسته و زاویه‌دار مشخص کننده چابکی، خشم، ناآرامی و گاهی مردانگی و نیرو هستند در حالیکه خطوط منحنی ابتدایی‌ترین‌اند و مشخص کننده ملایمت، روحیه مصالح‌آمیز، تبعیت جویی، به خود دلباختگی و نرمش‌اند خطوط راست نشان دهنده آرامش، وقار و بی‌انعطافی‌اند.

کودک بر جهت عمودی قبل از جهت افقی تسلط می‌یابد، خطوط پائین رونده نشان دهنده بدبینی، افسردگی، خستگی و مرگ‌اند. خطوط بالای رونده شادی، زندگی و انفجار احساسات حاد را مشخص می‌کند.

تأکید بر خط عمودی مرکزی مبین کوشش برای حفظ تعادل عاطفی ناپایدار است در حالیکه تأکید بر خط افقی نشان دهنده شدت نیازهای ارتباطی است.

خط خوردگی و پاک کردن نشانه بی‌تصمیمی، نارضایتی از خود و احساسات کمتری است لکه‌ها و سیاه کردنها مبین احساس گناه‌اند.

وقتی نقاشی حالتی کثیف و چرک داشته باشد معمولاً با کودکی سروکار داریم که در مرحله مقعدی تثبیت شده است اما این تثبیت در کودکانی که نقاشی آنها واجد وضوح، نظم و دقت در جزئیات به صورتی افراطی است نیز وجود دارد (گرایشهای وسواسی).

درجه تکامل نقاشی می‌تواند تابع حسن نیت کودک و تمایل وی به ارضای آزمایشگر باشد گرایش به 'سره‌م بندی' یا تکامل نقاشی که از این نکته ناشی می‌شود در نتایج ترسیم مؤثر است.

موضع آدمک در صفحه و قرینه‌سازی

در آغاز کودک نمی‌تواند ترسیم خود را در صفحه درست قرار دهد آدمک نسبت به صفحه غالباً به صورت مایل کشیده می‌شود سپس کودک بالا و پایین را تشخیص می‌دهد و از چهار سالگی (دختران و پسران) حداقل ۷۵٪ کودکان نقاشی خود را بصورت عمودی می‌کشند مع‌هذا خطوط ترسیم شده توام با بی‌مهارتی بوده و غالباً نامساوی‌اند بخشهای مختلف اندام بدون در نظر گرفتن محور بدن کشیده می‌شود بدین ترتیب می‌توان مشاهده کرد که یک بازو بالاتر از دیگری و یک ساق پا بلندتر از ساق دیگر و جز آن کشیده شده است قرینه بودن اعضای بدن از ۸ سالگی در دختران و از نه سالگی در پسران در حد ۷۵٪ مشاهده می‌شود قرینه بودن رگ‌های صورت دیرتر بدست می‌آید و حد آن در دختران در ۹ سالگی است در حالیکه در پسران حتی در ۱۲ سالگی نیز به حد ۷۵٪ نمی‌رسد. برای ارزشیابی این جنبه نقاشی می‌توان یک کاغذ شفاف که روی آن خطی عمودی کشیده شده است روی نقاشی کودک قرار داد وقتی محور سر با محور تنه و محور تنه با محور ساقها مطابقت نداشته باشد عدم تعادل اندام ظاهر می‌شود.

همچنین می‌توان عدم تعادل را وقتی شکل سر یا شکل تنه نامنظم‌اند و وقتی بازوها در حد معینی و به شیوه مشابهی به تنه وصل نشده‌اند و وقتی دو بازو و ساق واجد طول مساوی و پهنای مساوی نیستند مشاهده کرد.

عدم تعادل در صورت زمانی مشخص می‌شود که رگ‌های قرینه‌ای چهره روی یک خط قرار نداشته باشند و همچنین یکی از آنها بزرگتر از دیگری باشد دهان کج باشد و جز آن.

سنین		۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
قرینه‌سازی بدن	پسران			۳۱	۴۱	۴۷	۵۱	۵۷	۹۵	۸۲	۸۳
	دختران	۱۳	۲۲	۵۵	۶۶	۹۲	۸۰	۸۵	۹۴	۱۰۰	
قرینه‌سازی	پسران		۱۷	۴۷	۲	۳۷	۴۳	۴۲	۵۵	۶۶	
رگه‌های صورت	دختران	۳۸	۲۶	۴۹	۵۸	۶۹	۹۳	۸۱	۷۴	۱۰۰	

چرا از ترسیم بعنوان نشانه تحول استفاده می‌کنیم

ناقرینه بودن بارز به خصوص در سنین بالا نشانه اختلالات عاطفی و غالبا "عصب شناختی است غالبا" دیده شده است که معلولین و مفلوجین به ترسیم آدمک خود یا اعضای ناهماهنگی و نامتناسب می‌پردازند. از این رو معلولیت خود را نشان می‌دهند.

پاره‌ای از کودکان و بیماران روانی به ترسیم یک سر به شکل عجیب و نامنظم می‌پردازند گاهی تقریبا "بدون جمجمه، یعنی با حذف قسمت صدور جمجمه در ترسیم یک خط افقی بجای آن.

نباید ناقرینه بودن را با تغییراتی که در نقاشی به منظور بیان حرکت و ایجاد نما داده می‌شوند مشتبه کرد وقتی هماهنگی علی رغم این دگرگونی‌ها حفظ شده باشد می‌توان وجود قرینه را پذیرفت افراد در قرینه‌سازی نیز خواستی نیست چه نشان دهنده حالت وسواسی، تنش روانی سقوط و توقف در آزمودنی است.

حالت و حرکت

آدمک تمام رخ و نیم رخ:

در اکثر موارد آدمک بصورت ایستاده و تمام رخ ترسیم می‌شود و جمعیتی که در این پژوهش مورد آزمایش قرار گرفته‌اند در هیچ سنی فراوانی ترسیم آدمک بصورت نیم رخ از ۲٪ تجاوز نکرده است و بیشترین فراوانی در کودکان ۱۱ تا ۱۲ ساله‌ای که در مدارس راهنمایی مورد آزمایش قرار گرفته‌اند مشاهده شده است. براساس نظر زازو (Zazzo):

راست برتران نیم‌رخ خود را بسوی چپ و چپ برتران بسمت راست می‌کشند معهذا ۳۰٪ از راست برتران نیز نقاشی نیم‌رخ خود را به سمت راست ترسیم کنند بندرت ترسیم نیم‌رخ با موفقیت کامل فرینه است تقریبا همیشه بعلت مشکلاتی که کودک برای در نظر گرفتن نما با آنها مواجه است با ترکیبی در نقاشی تمام رخ و نیم رخ مواجه هستیم موضع پاها به خوبی این مشکلات و کوششهای کودک برای غلبه بر آنها را نشان می‌دهد و به همین دلیل است آن به منزله یک علامت تحولی در نظر گرفته شده است پاها کلا نخست به منزله تداوم عمودی ساقها ترسیم می‌شوند سپس مدتها بصورت نیم‌رخ (درحالیکه) اندام تمام رخ است کشیده می‌شود یعنی هر دو پا به یک سمت جهت دارند و بالاخره دست یافتن به مفهوم نما (در حد یازده سالگی) کودک را برآن می‌دارد که نوک پاها را در جهت مخالف بیکدیگر ترسیم کند یا به ترسیمی که تداوم ساق‌هاست باز گردد اما این بار آنها را کم و بیش کوتاه‌تر می‌کشد ترسیم نیم‌رخ مبین بازخورد فرار (ترس از نگاه کردن مستقیم) است که در حوالی سنین بلوغ فراوان به چشم می‌خورد اما گاهی نیز نقاشی نیم‌رخ می‌تواند بهتر از نقاشی تمام رخ احساس حرکت ایجاد کند.

حالت کلی آدمک:

حالت کلی ترسیم آدمک مانند حالت فرد در واقعیت مبین بازخورد عمیق اوست حالت بدون تحرک و انعطاف ترجمان عدم ارضای نیاز غریزی است یا آنکه مبین وقفه یا اضطرابی است که از تسلیم و تمکین آزمودنی در مقابل یک کشاننده ممانعت بعمل می‌آورد غالبا پرخاشگری شدیدی در مبنای چنین حالتی

وجود دارد حالت آدمک می‌تواند توام با استحکام، استقرار و تعادل خوب یا آنکه نامتعادل باشد حالت اخیر مبین اضطراب واقعی یا روانی آزمودنی از افتادن است.

موضع بازوها و ساق‌ها که حالت آدمک را مشخص می‌کند براساس سن تغییر می‌نماید.

موضع بازوها، ترسیم افقی بازوها شیوه‌ای ابتدایی است اما در پسران در همه سنین مشاهده می‌شود چنین شیوه‌ای بیانگر حالت تنش و نیاز به عمل است.

حالت بازوها به طرف بالا و بشکل ۷ بندرت دیده می‌شود این شیوه نیز شیوه‌ای ابتدایی است و در پسران دیرتر از دختران ظاهر می‌گردد و به نظر می‌رسد که بیانگر یک احساس شدید و انفجار آمیز مانند شادی یا طلب کمک باشد.

حالت ۸ که کمی از بدن فاصله دارد معمول‌ترین حالت از ۵ سالگی به بعد در هر دو جنس است.

حالت عمودی بازوها که به بدن چسبیده باشند بندرت مشاهده می‌شود و نشان دهنده نیاز به مهار کردن خود تمایل به جدا شدن از دیگران و وقفه شدید است (کنش‌های روانی ایستا).

حالت‌های مدور یا زاویه‌داری که آرنج را مشخص می‌کنند تحول یافته‌ترند و حتی در سنین بالا بندرت مشاهده می‌شوند چنین حالاتی معمولاً در بیان حرکت مشارکت دارند.

موضع ساق‌ها:

ساق‌ها غالباً بصورت موازی ترسیم می‌شوند (خطوط خارجی آنها عمودی هستند حتی اگر خطوط داخلی یک مستطیل را تشکیل دهند).

ساق‌های فاصله‌دار (براساس خطوط خارجی) در همه سنین فراوانند و براساس آنکه چگونه ترسیم شده و وضعیت ساق‌ها چگونه باشد احساس پایداری یا حرکت را ایجاد می‌کند.

ندرتاً با کودکانی مواجه می‌شویم که با ایجاد انحنا یا زاویه مفصل بندی زانو را نشان می‌دهند در این موارد تقریباً همواره حرکت در ترسیم وجود دارد.

در کودکان ترسو و دچار وقفه، معمولاً پاها بهم فشرده‌اند، در حالیکه در کودکانی که واجد اعتماد به نفس هستند فاصله دار ترسیم می‌شوند.

حرکت:

سه عامل می‌توانند احساس حرکت در ترسیم را ایجاد کنند:

- ۱- مایل بودن تنه یا وضعیت خاص بازوها و ساقها با وجود قرینه بودن آنها (مثلاً " بازوها بطرف بالا، خم بودن آرنجها و زانوها یا نوک پاها بطرف بالا و جز آن).
- ۲- موضع متفاوت اعضای قرینه‌ای (یک بازو بطرف بالا و یکی بسوی پایین، یک ساق خم شده و جز آن).
- ۳- متصل کردن اشیائی به دستها و یا قرار دادن آنها در مجاورت پاها بطوریکه حرکت را نشان دهند (عصا، آب پاش، توپ و جز آن).

پاره‌ای از این عوامل می‌توانند بطور همزمان در نقاشی وجود داشته باشند براساس آمار بدست آمده حرکت در هر دو جنس با فراوانی یکسان و با شیوه‌های بیان مشابهی مشاهده می‌شود اما پسران غالباً " حرکت را در پاها و دختران در دستها نشان می‌دهند وجود حرکت در نقاشی براساس سن افزایش می‌یابد و فراوانی آن به ۷۵٪ در یازده سالگی می‌رسد معنایی که می‌توان برای وجود حرکت در نقاشی قایل شد بسیار مهم است می‌توان آنرا با پاسخهای جنبشی در آزمون رور شاخ مقایسه کرد (درون نگری، غنای زندگی درونی، امکان خلاقیت) و برحسب آن که حرکات تا چه حد گسترده باشند می‌توان حرکت را ارزشیابی کرد.

بر حسب نظر آبراهام در نقاشی دو نوع تجسم حرکت وجود دارد نخستین شکل که وی آنرا کنشی می‌نامد شکلی است که در ترسیم کودکان کم سن دیده می‌شود در حالیکه شکلی که وی آنرا درون نگر می‌نامد در کودکان بزرگتر مشاهده می‌گردد.

" حرکت کنش " و به فعالیت حرکتی واقعی آزمودنی وابسته است حرکت درون نگر بالعکس بوسیله آزمودنی‌های پایدار تجسم می‌گردد با پرسش از کودکان می‌بینیم که در مورد نخست (حرکت کنشی) تأکید بر شخص متحرک است در مورد دوم (حرکت درون نگر) بر حسب به خودی خود تأکید می‌شود.

رنگ و حرکت = در تست رور شاخ:

همانطور که قبلاً در روش اجرای آزمون متذکر شدیم آزمودنی در این تست از هفت رنگ می‌تواند استفاده کند بررسی رنگ در آزمون ترسیم آدمک را می‌توان با بررسی رنگ در آزمون رورشاخ مشابه ساخت.

انتخاب رنگهای بکار رفته، تعداد آنها، پررنگ یا کم‌رنگ بودن آنها، استفاده خطی یا یک سره از رنگ، گسترده و جای سطوح رنگی و همچنین واقع‌نگری رنگها باید در نظر گرفته شوند این ویژگیها را می‌توان با شکل نقاشی (۶ در رورشاخ) و رعایت پیرامون در ارتباط گذاشت و بر حسب آنکه شکل استیلای خود را حفظ کرده باشد یا آنکه رنگ اولویت داشته باشد می‌توان پاسخها را مانند پاسخهای C.F, F.C در رور شاخ تفسیر نمود.

کودکان کم سن (۳ و ۴ و ۵ ساله)

کودکان کم سن بندرت از رنگهای یکسره استفاده می‌کنند آنها پیرامون آدمک را مستقیماً با مدادهای رنگی استفاده می‌کنند و مسلماً این شیوه نشانه غلبه جنبه عاطفی بر جنبه تحولی است.

افزون بر آن این کودکان بدون هیچگونه واقع‌نگری صورت را با مدادهای آبی، زرد و قهوه‌ای رنگ می‌کنند.

رنگهای گرم: قرمز، زرد، نارنجی
رنگهای سرد: سبز، آبی، بنفش

فقط در حد شش سالگی (شروع مدرسه) است که بکار بستن مداد سیاه برای ترسیم خطوط پیرامون شکل ظاهر می‌شود و در حد ۷ سالگی می‌تواند نشانه بنهجاری باشد (فراوانی ۸۴٪) و در ۸ سالگی شیوه‌ای کلی است استفاده از مداد سیاه نشان دهنده استیلای شکل بر رنگ و غلبه فکر تعقل بر برانگیختگی‌های عاطفی است (یعنی معادل F.C در رورشاخ ملحوظ می‌شود) بدین ترتیب استفاده از مداد رنگی برای ترسیم خطوط پیرامونی مشکل می‌تواند پس از ۷ سالگی به منزله نشانه‌ای، از یک تأخیر صریح روانی باشد.

تعداد رنگهایی که بکار بسته می‌شود با سن ازدیاد می‌یابد و بطور متوسط از ۳ به ۴ یا ۵ رنگ می‌رسند بکار بستن یک یا دو رنگ با عدم استفاده از رنگ نشانه‌ای مشکوک است همچنین استفاده از شش یا هفت رنگ می‌تواند به منزله نشانه‌ای مشکوک در نظر گرفته شود.

برمبنای نظر فین کوسکا FIN KOWSKA می‌توان کودک را براساس چگونگی استفاده از رنگ از روان گسیخته تا صرعی خوبی، از عقل تا عاطفی، از دون نگری تا برون نگری روی خط پیوسته قرار داد.

(صرعی خو= حسی نگر، عاطفی، با ارتباط زیاد و...):

روان گسیخته‌خو از رنگها اجتناب می‌کند یا آنها را با امساک و ظرافت بکار می‌برد و غالبا رنگهای تیره (سیاه، قهوه‌ای، بنفش) را انتخاب می‌کند در حالیکه صرعی خو تقریبا از همه رنگها وسیعا و بطور یکسره استفاده می‌کند و رنگهای تند (بخصوص قرمز) را بکار می‌بندد برتری و استیلایی که کودک برای فکر یا عواطف قایل می‌شود از شیوه‌ای که خطوط و زمینه چهره را ترسیم می‌کند. در گروه گسیخته‌خو زمینه سفید و خطوط سیاه مشاهده می‌گردد در حالیکه در صرعی خواها زمینه چهره صورتی رنگ و چشمان و دهان رنگ شده‌اند بطورکلی رنگهای ملایم مبین عواطفی غنی یا قوی هستند ضمن آنکه کمروبی و کم جسارتی آزمون را نیز نشان می‌دهند در حالیکه رنگهای زنده در کودکانی دیده می‌شود که واجد عواطفی شدید و انبوه مثل عشق، کینه یا خصم‌اند.

بررسی واقع نگری در بکار بستن رنگها می‌تواند از دیدگاه تحولی بسیار جالب باشد هفت سالگی رنگها جنبه تزئینی دارند و حتی کودکان چشمها را به رنگ قرمز و دهان را به رنگ آبی می‌کشند. واقع نگری رنگ در وهله نخست در باب موها مشاهده می‌شود در هفت سالگی ۷۵٪ کودکان به واقع نگری رنگ چهره دست می‌یابند و رنگهای واقع نگر چشمان و دهان در دختران در ۹ سالگی و در پسران در ده سالگی مشاهده می‌شوند، لباسها در اکثر موارد برنکهای بسیار زنده‌اند حتی در کودکان مسن‌تر واقع نگری رنگ لباس فقط در ۲۵٪ جمعیت کلی مشاهده می‌شود نمره C رنگ در مقیاس رشد یافتگی مقایسه وضع کودک با هنجارهای سنی وی را از این دیدگاه ممکن می‌سازد و حد او را نسبت به هنجارهای سنی اش معین می‌کند پسران نسبت به دختران و همین امر است که نمره واقع نگری آنان را افزایش می‌دهد (هر چه بچه کم سن‌تر باشد استفاده از رنگ زنده بیشتر می‌شود. هر چه بزرگتر می‌شود به رنگهای تیره‌تر روی می‌کند) آبی در دختران و قرمز در پسران غلبه دارد.

رمزگرایی رنگها را مؤلفان متعددی بررسی کرده و در باب معنایی که می‌توان به رنگها نسبت داد معمولاً توافق دارند.

آبی: ملایمت، آرامش، مهربانی، حقیقت‌جویی، سردی، تعقلی‌نگری، خلوص.

قرمز: هیجان‌پذیری، شیفتگی، شهامت، عشق، خشونت، فعالیت، (در رابطه با خون و آتش).

زرد: شادی، تعقل، برتری، حسی‌نگری، خیانت (در رابطه با خورشید و حرارت).

سبز: امید، استراحت، تلخی، خشم، شورش، جنب و جوش (در رابطه با طبیعت).

بنفش: غمگینی، رازو رمز، خیالبافی انحراف‌آمیز.

قهوه‌ای: اجبار، وقفه، خلق محزون، جدی (در رابطه با زمین و مواد آتشفشانی).

سیاه: اضطراب، عزا، رازو رمز، گناهکاری (در رابطه با شب، زمستان، ناهشیاری، مرگ).

سفید: بی‌طرفی، سردی، خلاء، صفا (در رابطه با برف).

تشدید رنگ‌آمیزی یک ناحیه ترسیم به معنای تمرکز روان در آن ناحیه است و اطلاعاتی در مورد احساسات ترسیم‌کننده نسبت به آن ناحیه در اختیار ما می‌گذارد رنگ‌آمیزی می‌تواند صریح و زیبا باشد و تمامیت و ایمنی احساسات را نشان دهد یا آنکه کدر، کثیف و مغشوش باشد علائمی که دو سوگرایی، پنهان‌گرایی و تردید را نشان می‌دهند (غالباً با مسئله‌ای مقعدی مرتبطند).

همخوانی پاره‌ای از رنگها با یکدیگر واجد معانی مشخصی است قرمز و سیاه = خشونت و اضطراب

قرمز و سبز = دوسوگرایی، خشم زرد و قرمز (پرتغالی) = اجتماعی خواهی

شخصیت‌دهی به آدمک (سن، جنس، هویت):

برحسب نظر اغلب مؤلفان سن آدمک ترسیم شده معمولاً با سن ترسیم‌کننده مطابقت دارد براساس نتایجی که از این پژوهش بدست آمده‌اند شکل کلی طرح بدنی بیشتر به یک کودک شباهت دارد (سر بزرگ به نسبت تنه، خطوط چهره کودکانه و جز آن) معه‌ذا این نکته پا برجاست می‌ماند که بسیاری از آزمودنیها و بخصوص آزمودنی‌های بزرگ به ترسیم پاره‌ای از جزئیات (سبیل، ریش، چین و چروک) یا اضافات (سیگار، پپ، عصا، لباس بزرگانه) پرداخته‌اند و به این ترتیب نشان داده‌اند که قصد ترسیم یک بزرگسال را

داشته‌اند بندرت با نقاشی‌هایی مواجهه شده‌ایم که معرف یک نوزاد (نشانه واپس‌روی) یا یک شخص پیر (نشانه وابستگی استثنایی به یک فرد مسن یا نشانه باز خورد فاصله‌دار والدین که تفاوت نسلها را تشدید می‌کند) بوده‌اند.

تعیین یک سن معین

تعیین یک سن معین برای آدمک نقاشی براساس سن افزایش می‌یابد و به حد فراوانی ۷۵٪ در ده سالگی می‌رسد تعیین سن شخص ترسیم شده نشانه ادراک زمان فهم دستورالعمل و بالنتیجه رشد یافتگی روانی است.

جنس:

در نقاشی کودکان کم سن تشخیص جنسیت آدمک بسیار مشکل است از ۹ سالگی به بعد می‌توان جنسیت آدمک ترسیم شده را با قاطعیت مشخص کرد و از این سن است که در نقاشی هفتاد و پنج در صد کودکان براساس صفات جنسی ثانوی، نوع لباس و یا وجود پاره‌ای اشیاء افزوده شود (پپ، سیگار و جز آن) جنسیت کاملاً قابل تشخیص است بنابراین نامشخص بودن جنسیت آدمک از سن ۹ سالگی به بعد می‌تواند به منزله وجود مساله‌ای در نظر گرفته شود.

از سوی دیگر بدلیل آنکه اصطلاح آدمک مبین موجودی انسانی است که واجد جنسیت مشخصی نیست غالباً بصورت یک مرد ترسیم می‌شود.

بنابراین ترسیم یک زن در دختران و در پسران همواره باید تفسیر گردد. در دختران چنین ترسیمی مبین به خود دل‌باختگی و ترس از مردان است و در پسران نوعی زنانگی یا جاذبه جنسی زودرس را نشان می‌دهد. تفسیر اخیر در مورد آزمودنی‌هایی که ارتجالاً به ترسیم یک زوج می‌پردازند صحت دارد.

هویت

منظور از وجود هویت در ترسیم این است که آدمک دقیقاً معرف شخص معینی باشد مثل سرباز، باغبان، سرخ پوست و جز آن.

هویت آدمک فقط در سنین بالاتر مشخص می‌گردد و در صورتیکه در کودکان کم سن‌تر مشاهده شود مبین شدت تخیل است. معمولا' گرایش به مشخص کردن هویت آدمک در کودکان با هوش‌تر (براساس پیشرفت تحصیلی) مشاهده می‌شود گاهی نیز آزمودنی‌های که در حد کلاسهای راهنمایی هستند، با ترسیم کاریکاتور به آدمک خود هویت می‌دهند، این نکته نیز در آنها می‌شود که در عین سرپوش گذاشتن بر مسائل خود آنها را به نمایش می‌گذارند این ویژگی بندرت در دختران مشاهده می‌شود چه نقاشی آنها به سوی ویژگی‌هایی از نوع زیبایی شناختی جهت می‌یابد.

موضوعهایی که ترسیم را مشخص می‌کنند بسیار متنوع‌اند و طبعا' باید تفسیر شوند و چه معمولا' مبین (آرمان من Ideal ego) در کودکان معانی این موضوعها غالبا' آشکارند:

آدمک سیاه پوست در آزمودنی سفید پوست مبین احساس گناه است.

ماهی گیر مبین خلقی ملایم است که در عین حال توانایی صبر و زرنگی در گرفتن را نشان می‌دهد.

گانگ تو (راهزن) یا سرباز نشان دهنده "شادی کاذب" است که دلهره‌ای پنهانی را جبران می‌کند.

درصد کلی ترسیمهایی که مبین شخصی معین است بر حسب جنس تغییر نمی‌کند (۵٪ در دختران و ۴/۳٪ در پسران) اما موضوعها در پسران و دختران متفاوتند.

حالت آدمک

وقتی به بررسی یک ردیف نقاشی می‌پردازیم متوجه می‌شویم که پاره‌ای از آنها واجد احساس‌اند. و بنظر می‌رسد که آدمکها می‌خواهند چیزی بگویند یا فکرو احساس متفاوتی را نشان دهند می‌توان دو مساله را در مورد حالت آدمکهای ترسیم شده مطرح کرد:

- ۱- آیا آزمایشگرهای متفاوت حالت آدمک را بگونه‌ای مشابه دریافت می‌کنند یا آنکه احساسات شخصی خود را در نقاشی‌هایی که مورد بررسی قرار می‌دهند فراقینی می‌نمایند.
- ۲- آیا واقعا' حالتی که به آدمک داده شده است با احساسات نقاش مطابقت دارد یا آنکه فقط واجد جنبه‌ای تصادفی است و ناشی از بی‌مهارتی ترسیمی آزمودنی می‌باشد چه در واقع مشکل بنظر می‌رسد که بلون در اختیار داشتن فنون ترسیمی مناسب بتوان به شخصیت آدمک ترسیم شده حالت خاصی مثل غم، شادی، و جز آن را بخشید.

پژوهشی به منظور پاسخ گفتن به این پرسشها انجام شده است: از دو روان شناس که از لحاظ سن و تجربه شغلی متفاوت بودند خواسته شد که نقاشی ۴ کودک (۲ دختر بهنجار و ۲ دختر کودن را مورد مشاهده قرار داده و احساساتی را که به نظرشان می‌رسد که در نقاشیها متجلی شده‌اند مشخص کند یا عبارتی احساسات آدمک را از زبان خود وی بیان نمایند.

روان شناسان به "تفسیر کور" می‌پرداختند یعنی هیچگونه شناختی در باره کودکان مورد نظر نداشتند سپس نتایج کار آنان مقابله شد و به سه دسته تقسیم گردید:

۱- توافق کامل نظرات دو روانشناس

۲- عدم توافق کامل نظرات دو روانشناس

۳- توافق نسبی نظرات آنها

بطور کلی، عقیده روانشناسان بر این بود که تفسیر نقاشی کودکان بهنجار آسانتر از تفسیر نقاشی دختران کودن بوده است در ترسیم دختران بهنجار حالت تعادل و آرامشی مشاهده می‌شد که در گروه دوم وجود نداشت نگاه آدمکهای آنها زنده‌تر، باحالت‌تر و مستقیم‌تر بود نظرات روانشناسان در باب گروه نخست کاملاً مطابقت داشت.

گزارش دو روانشناس در مورد نقاشی دختران کودن در حد ۶۲٪ موارد مطابقت می‌کرد و در ۱۴٪ موارد کاملاً متضاد بود و در ۲۴٪ نقاشی‌ها یک مطابقت نسبی مشاهده می‌شد.

از سوی دیگر نظرات روانشناسان با نتایج آزمایش کامل روان شناختی مطابقت داده شد نتایج حاصل از این مقابله نشان دادند که آدمک بیش از آنکه مبین شخصیت جسمانی کودک باشد، شخصیت روانی وی را ترسیم می‌کند هنگامی که نظرات روان شناختی نیز مشاهده می‌شوند بنابراین به نظر خلقی که آنها برجسته ساخته بودند در گزارش روان شناسان با یکدیگر مطابقت داشتند رگه‌های خلقی که آنها برجسته ساخته بودند در گزارش روان شناختی نیز مشاهده می‌شوند بنابراین به نظر می‌رسد که حالت آدمک با احساسات شدید و عمیق ترسیم کننده مطابقت دارد و می‌توان حالتی را که به آدمک می‌دهد به منزله تجسم واقعی بازخورد عاطفی وی یا لااقل مبین پاره‌ای از احساسات عمیق وی تلقی کرد.

مسلمانان توانایی تفسیر آدمک از این دیدگاه مستلزم استعداد شهودی و حساسیتی است که در دسترس همگان نیست اما یقیناً براساس تمرین و تجربه می‌توان به تفسیر قابل قبولی از حالت آدمک دست یافت ولی مسلم است که این گونه تفسیرها باید همواره با یک تحلیل عقلی که بر مشاهده علائم مشخص و عینی استوار است همراه باشد.

عوامل پیرامون آدمک

بطور متوسط ۲۱٪ پسران و ۲۴٪ دختران اشیاء و مناظری در پیرامون آدمک خود ترسیم می‌کنند این ویژگی با سن کاهش می‌یابد. پیرامونی را که کودکان کم سن تر ترسیم می‌کنند معمولاً "یا جنبه تزئینی دارد و یا آنکه بصورت خط خطی کردن است و گاهی نیز ترسیم نخستین تکرار می‌شود و مانند آن است که کودک می‌خواهد از ترس خلاء و انزوا یا برای جلب رضایت آزمایشگر صفحه را پر کند.

خط خطی کردن

خط خطی کردن ۱ سالگی به بعد نشانه ناایمنی و زندگی تخیلی گسترده است از شش سالگی به بعد، پیرامون ترسیم شده بصورت منظره است و می‌توان براساس شیوه تفسیر رمزها که معمولاً پذیرفته شده است به تفسیر مبادرت کرد.

زمین: سمبل ایمنی و غذا، حضور آن نشانگر خوب یا بد دانستن محیط زندگی است برحسب آنکه واحد سبزه و گل باشد یا آنکه سیاه و دارای علفهای نوک تیز.

کوه: در صورتیکه واجد انحنا و مدور باشد نشانه سینه مادر است. و اگر نوک تیز باشد اجبار، حمایت، جاه طلبی و مشکلات تحقق خویش است.

خورشید: سمبل پدران، دوستانه، یا پرخاشگرانه.

ابر: نشانه تهدید و اضطراب است.

باران: غالباً مبین ترسیمی مادری سرزنش کننده است.

ستاره: شب را به یاد می‌آورد اما همچنین نشانگر نیاز به درخشیده ارزشمند شدن است.

آب: دارای معنای رمزی بسیار غنی است، آب تصویر مادر است و غالبا "امیال واپس رونده کودک را بیان می کند و غالبا" در کودکانی که دچار بی اختیاری ادرار هستند دیده می شود در صورتیکه در شکل برف باشد معرف جهانی منجمد و بدون حرارت عاطفی است.

گل: سمبل زنانگی و شادی است و غالبا" در اطراف شخصی که توسط دختران ترسیم شده است دیده می شود در صورتیکه قالبی و یکنواخت باشد نشانگر اشتغالات جنسی است.

پرندگان: سمبل عواطف اند حضور آنها در نقاشی نشانه آرزومندی عاطفی کودک است.

حیوانات اهلی: معمولا" معرف یک حیوان خانگی اند که مورد علاقه کودک است و گاهی براساس فرآیند جبران احساس رهاشدگی و انزوا را نشان می دهند.

درختان: نیاز به حمایت را نشان می دهد و در صورتیکه پر از میوه باشد نشان دهنده شکم پرستی نیاز به تحقق خویشتن و موفقیتند درخت می تواند به منزله فرافکنی سطح ناهشیار شخصیت کودک مورد نظر قرار گیرد.

خانه: وجود خانه مبین اهمیت کانون خانوادگی برای کودک است کانونی که می تواند پذیرنده یا مضطرب کننده است. راهی که به خانه می رسد در صورتیکه سنگلاخ و گل کاری شده باشد یا آنکه اصلا" راهی نباشد بسیار معنی دار است.

گاهی کودک بدور آدمک خود دایره ای می کشد و بدین ترتیب یک ناحیه ایمنی و بین خود و پیرامونش ایجاد می نماید ترسیم طاق یا گنبد نیز تقریبا" واجد معنای مشابهی است یعنی موقعیت درون رحمی را تداعی کرده و نوعی واپس را نشان می دهد نوعی بازخورد بی تفاوتی، تردید و انزوا با این نوع حمایت همراه است.

براساس نظر آبراهام وجود یک پیرامون روی زمین (مثل علف، گل، درخت) یا بالای سر آدمک (آسمان، خورشید، ابر) همراه با ترسیم سری بزرگتر از اندام در کودکانی دیده می شود که دارای یک بازده تحصیلی خوب هستند.

وجود رمزهای مادرانه (آب، خانه) یا پدرانه (خورشید) نشانگر اهمیتی که کودک بدلیل محبت یا براساس تمایل به جلب رضایت و یا به علت جستجوی ایمنی برای والدین قابل است چگونگی عناصر افزوده شده، امکان متمایز ساختن احساسات کودک را فراهم می سازد. پیرامونی که جنبه تزئینی داشته باشد مبین نیاز به یک پناهگاه و فقدان تصویر پدرانه منسجم است.

نمره گذاری و ارزشیابی

به هر ماده‌ای که آزمودنی در آن توفیق یافته باشد یک نمره تعلق می‌گیرد بدین ترتیب هر آزمودنی ۵ نمره جداگانه بدست می‌آورد.

۱- نمره T = تعداد نمره‌ای که از فهرست "سر" به دست آورده است.

۲- نمره S = تعداد نمره‌ای که از فهرست "طرح بدنی" بدست آورده است.

۳- نمره V = تعداد نمره‌ای که از فهرست لباس بدست آورده است.

۴- نمره کلی = مجموع نمرات $V+S+T$

۵- نمره رنگ = مجموع نمراتی که مواد "رنگ" که با حروف C مشخص شده‌اند، بدست آورده است.

براساس دو نوع هنجار گزینی می‌توان وضع آزمودنی را نسبت به هنجار سنش، مشخص کرد و بدین ترتیب طراز رشد یافتگی وی را معین نمود.

در جداول که بر حسب چارک هنجار گزینی شده‌اند، با در نظر گرفتن جنس کودک، به ستون مربوط به سن واقعی وی مراجعه می‌کنیم اگر نمره آزمودنی بین چارک اول و چارک سوم قرار داشته باشد، می‌توان پذیرفت که کودک در هنجار سنی خود قرار دارد بالاتر از چارک سوم با ۲۵٪ کودکانی مطابقت دارد که نسبت به سن خود پیشرفته‌اند و پائین‌تر از چارک اول با ۲۵٪ کودکانی منطبق است که نسبت به سن خود تأخیر دارند.

بدین ترتیب موقعیت هر آزمودنی را در قسمتهای مختلف آزمونی (۵ بار)، مشخص می‌کنیم و نمودار نتایج را ترسیم می‌نمائیم.

۱- گاهی پاره‌ای از آزمودنی‌ها، بخصوص در سنین بالاتر، فقط بالاتر یا حتی فقط "سر" را ترسیم می‌کنند طبیعی است که در چنین مواردی نمی‌توان ترسیم را براساس هنجارهای معمولی نمره‌گذاری کرد در اینصورت می‌توان فقط نمره "سر" را در نظر گرفت، چه این نمره نیز به تنهایی، می‌تواند معرف با جنبه درستی از نمره کلی باشد.

باید توجه شود که هنجارگزینی برحسب چارک نمی‌تواند اطلاعات بسیار دقیقی درباره آزمودنی‌هایی که واجد تأخیر هستند یا نسبت به سنشان پذیرفته‌اند، در اختیار ما قرار دهد.

برای آنکه بتوانیم تأخیر یا تسریع آنها را دقیقاً ارزشیابی کنیم باید از هنجارگزینی برحسب سنین رشدیافتگی استفاده نمائیم.

هنجارگزینی اخیر، براساس نمراتی که به طور متوسط در هر گروه سنی بدست آورده است ساخته شده است.

برای آنکه سن رشدیافتگی آزمودنی را مشخص کنیم، روی خطی که مثلاً با "نمرات سر" T مطابقت دارد، نمره‌ای را که کمترین فاصله را با نمره کودک دارد، پیدا می‌کنیم و سپس به سنی که در بالای ستون نوشته شده است، توجه می‌نمائیم و بدین ترتیب "سن رشدیافتگی" کودک مشخص می‌گردد.

اگر نمره کودک، بین دو نمره مقیاس قرار داشته باشد، می‌تواند براساس "درون‌یابی" به سن فاصله‌ای دست یافت. مثلاً یک نمره کلی که مساوی با ۱۶ باشد بین نمره ۱۰ (که با سن $4\frac{1}{2}$ سالگی مطابقت دارد) و نمره ۲۲ (که با $5\frac{1}{2}$ مطابقت دارد) قرار گرفته است و می‌توان سنی را که با آن مطابقت می‌کند ۵ ساله دانست.

با مقایسه "سن رشدیافتگی" و سن واقعی کودک، می‌توان درجه پیشرفت یا تأخیر آزمودنی را مشخص کرد.

همچنین می‌توان "بهره رشدیافتگی" را براساس فرمول IQ بدست آورد.

$$\text{بهره رشدیافتگی} = \frac{\text{سن رشدیافتگی} \times 100}{\text{سن واقعی}}$$

جدول هنجارگزینی بر حسب چارک در پسران

جدول ۱. سر (پسران)

سن	حداقل	چارک اول	میانه	چارک سوم	حداکثر
۳/۵	۰	۲	۲	۴	۷
۴/۵	۰	۳	۵	۵	۷
۵/۵	۲	۵	۷	۹	۱۱
۶/۵	۴	۶	۸	۱۱	۱۶
۷/۵	۱	۷	۱۰	۱۳	۲۱
۸/۵	۹	۱۰	۱۱	۱۳	۱۵
۹/۵	۷	۱۱	۱۲	۱۳	۱۸
۱۰/۵	۴	۱۱	۱۳	۱۵	۲۰
۱۱/۵	۵	۱۱	۱۴	۱۶	۲۰
۱۲/۵	۵	۱۱	۱۵	۱۶	۲۰

جدول ۲. طرح بدنی (پسران)

سن	حداقل	چارک اول	میانه	چارک سوم	حداکثر
۳/۵	۰	۰	۴	۵	۸
۴/۵	۰	۴	۶	۹	۱۲
۵/۵	۱	۱۳	۱۴	۱۹	۲۷
۶/۵	۵	۱۴	۱۷	۲۰	۲۵
۷/۵	۶	۱۹	۲۰	۲۵	۳۰
۸/۵	۱۴	۱۹	۲۲	۲۵	۲۹
۹/۵	۱۵	۲۰	۲۴	۲۶	۳۶
۱۰/۵	۱۲	۱۷	۲۵	۲۹	۳۲
۱۱/۵	۹	۲۲	۲۶	۲۹	۳۰
۱۲/۵	۹	۲۲	۲۷	۲۹	۳۰

جدول ۳. لباس (پسران)

سن	حداقل	چارک اول	میان	چارک سوم	حداکثر
۳/۵					۱
۴/۵				۱	۳
۵/۵		۲	۳	۵	۱۰
۶/۵		۳	۵	۶	۱۱
۷/۵	۱	۴	۶	۱۰	۱۲
۸/۵	۳	۵	۷	۱۰	۱۳
۹/۵	۴	۶	۸	۱۰	۱۳
۱۰/۵	۱	۵	۹	۱۰	۱۴
۱۱/۵	۰	۷	۱۰	۱۲	۱۴
۱۲/۵	۲	۶	۱۰	۱۱	۱۳

جدول ۴. مقیاس کلی (پسران)

سن	حداقل	چارک اول	میان	چارک سوم	حداکثر
۳/۵		۰	۶	۱۰	۱۶
۴/۵		۶	۱۰	۱۱	۱۹
۵/۵	۱۸	۲۱	۲۲	۳۱	۴۷
۶/۵	۱۱	۲۷	۳۰	۳۳	۴۶
۷/۵	۲۰	۳۳	۳۹	۴۴	۶۳
۸/۵	۲۷	۳۵	۴۲	۴۶	۵۶
۹/۵	۲۸	۲۶	۴۵	۴۸	۵۹
۱۰/۵	۲۰	۳۷	۴۷	۵۱	۵۸
۱۱/۵	۲۳	۴۲	۴۸	۵۵	۶۰
۱۲/۵	۲۴	۴۴	۴۹	۵۵	۵۶

جدول هنجارگزینی بر حسب چارک در دختران

جدول ۵. سر (دختران)

سن	حداقل	چارک اول	میانه	چارک سوم	حداکثر
۳/۵	۰	۰	۲	۴	۶
۴/۵	۱	۳	۶	۸	۱۱
۵/۵	۲	۶	۸	۹	۱۸
۶/۵	۳	۸	۱۰	۱۲	۲۰
۷/۵	۳	۹	۱۲	۱۴	۱۹
۸/۵	۳	۱۱	۱۴	۱۵	۲۱
۹/۵	۷	۱۲	۱۵	۱۷	۲۰
۱۰/۵	۸	۱۲	۱۵	۱۸	۲۰
۱۱/۵	۷	۱۴	۱۶	۱۹	۲۲
۱۲/۵	۱۰	۱۵	۱۷	۲۰	۲۲

جدول ۶. طرح بدنی (دختران)

سن	حداقل	چارک اول	میانه	چارک سوم	حداکثر
۳/۵	۰	۱	۴	۶	۱۱
۴/۵	۳	۶	۸	۱۱	۱۵
۵/۵	۷	۱۲	۱۴	۱۸	۲۸
۶/۵	۸	۱۴	۱۸	۲۴	۳۰
۷/۵	۷	۱۹	۲۱	۲۶	۳۰
۸/۵	۹	۲۱	۲۵	۲۹	۳۱
۹/۵	۱۸	۲۲	۲۷	۲۹	۳۱
۱۰/۵	۱۷	۲۲	۲۷	۲۹	۳۲
۱۱/۵	۱۶	۲۲	۲۸	۳۱	۳۲
۱۲/۵	۱۵	۲۱	۲۸	۳۱	۳۳

جدول ۲. لباس (دختران)

سن	حداقل	چارک اول	میانہ	چارک سوم	حداکثر
۳/۵	۰	۰	۰	۰	۲
۴/۵	۰	۰	۱	۲	۳
۵/۵	۰	۲	۴	۵	۹
۶/۵	۱	۴	۶	۹	۱۲
۷/۵	۲	۶	۸	۱۰	۱۲
۸/۵	۲	۷	۹	۱۱	۱۳
۹/۵	۵	۹	۱۱	۱۲	۱۴
۱۰/۵	۳	۱۰	۱۱	۱۲	۱۴
۱۱/۵	۳	۱۰	۱۱	۱۲	۱۴
۱۲/۵	۴	۱۰	۱۲	۱۳	۱۳

جدول ۴. مقیاس کلسی (دختران)

سن	حداقل	چارک اول	میانہ	چارک سوم	حداکثر
۳/۵	۰	۰	۶	۱۰	۱۶
۴/۵	۶	۱۰	۱۲	۲۱	۲۷
۵/۵	۱۵	۲۱	۲۵	۳۳	۴۸
۶/۵	۱۶	۲۹	۳۵	۳۹	۵۴
۷/۵	۱۶	۳۶	۴۲	۴۹	۵۶
۸/۵	۲۶	۴۲	۴۹	۵۴	۶۹
۹/۵	۳۰	۴۹	۵۲	۵۸	۶۱
۱۰/۵	۳۱	۴۵	۵۴	۵۸	۶۱
۱۱/۵	۳۴	۴۷	۵۶	۵۹	۶۴
۱۲/۵	۳۳	۴۶	۵۷	۶۰	۶۵

جنبه‌های تحلیلی ترسیم

سر

طبق نظر بسیاری از مؤلفان، سر را می‌توان به منزله کانون رمزی "من" دانست. در واقع کلیه خطوط موازی که بین سر و باسن قرار می‌گیرند، ترجمان کوشش من در غلبه بر غرایزی هستند که تنه معرف آنهاست.

سر به منزله کانون فکر، جاه طلبی‌های عقلی و کنترل ارادی غرایز در نظر گرفته شده است، اما همچنین کانون زندگی تخیلی است از زاویه‌ای ابتدائی‌تر و عاطفی‌تر، سز مکان روابط اجتماعی است، چه شامل اعضائی است (چشم، گوش، زبان) که در معادلات با دیگری بکار می‌روند.

ابعاد، شکل و تأکید بر پاره‌ای جزئیات سر، آشکار کننده بازخوردهای روانی افراد متفاوتند سر بسیار بزرگ، نشان دهنده به خود دل‌باختگی، فزون گستردگی "من" خودنمائی اخلاقی یا عقلی و گاهی به دلیل تأخیر عقلی، نشانه از زنده سازی گسترده هوش است.

سر کوچک، مبین فقدان کنترل بر غرائز یا وجود مشکلات ارتباطی است (به ویژه اگر خطوط صورت واجد جزئیات نباشند).

معمداً در ارزشیابی ابعاد سر، باید نسبت آن با تنه در نظر گرفته شود، چه این نسبت برحسب سن آزمودنی تغییر می‌کند و کودکان کم سن‌تر، سر آدمک را بزرگتر از کودکان ۸ تا ۱۲ ساله ترسیم می‌کنند.

سر به اشکال مختلف ترسیم می‌شود و فراوانی این اشکال تا چند بسیار کمی به سن وابسته است معمولاً کودکان در همه سنین، سر را به شکل دایره یا بیضی (که قطر بزرگ آن طول صورت است) ترسیم می‌کنند، در صورتیکه قطر بزرگ بیضی در جهت افقی قرار گیرد (پهنای صورت)، می‌توان بر مادی‌نگری شدید آزمودنی حکم کرد.

ترسیم سر بدون چانه یعنی سری که مستقیماً "به گردن متصل است، نشان دهنده واقع نگر، کنندی روانی است و در این موارد معمولاً "گردن بسیار پهن کشیده می‌شود.

"کله تخت" (جمعیه یا یک خط افقی بریده شده باشد) غالبا در کودکان یا کودکانی که احساس بی ارزشی و نارسائی عقلی و فکری دارند مشاهده می شود.

تغییر شکلهای عجیب در جمعیه یا سر، غالبا در آزمودنی هائی دیده می شود که واجد اختلالات ارگانیکی هستند یا آنکه در کنش وری روانی آنها نابهنجاری هائی وجود دارد.

خطوط صورت (بینی، چشمان، دهان و به خصوص گوشها)، مسائل ارتباط اجتماعی را متجلی می سازند و در روان گسستگانی که در خود فرو رفته اند غالبا ترسیم نمی شوند و یا واجد تعبیرات عجیب اند.

چشمها

حالت صورت براساس چگونگی ترسیم چشمها مشخص می شود ترسیم چشمها در دختران همراه با جزئیات بیشتری است ابعاد آنها گرایش به برونگرایی (اگر بزرگ باشند) یا درونگرایی (اگر کوچک باشند) آزمودنی را نشان می دهند.

در صورتیکه به شکل نقطه و بدون حدقه چشم ترسیم شوند، مبین بدبینی و تنگ نظری است. پرخاشگران و پارانویاییها در ترسیم چشمها بیشتر دقت می کنند و به آنها جنبه جدی و مضطرب کننده می دهند اضطراب ناشی از احساس گنجهکاری نیز موجب می شود که بر ترسیم چشمها بیشتر تأکید شود یا به کلی حذف شوند.

کنجکاوی و تماشاگری جنسی، نقاش را بر آن می دارد که به ترسیم چشمها به صورتی حجیم و مستطیل شکل پردازد.

روان گسستگان، چشمها را گرد و همواره با یک نقطه در مرکز آن ترسیم می کنند و به نظر می آورند که چشمها به علت وحشت می خواهند از حدقه در بیایند.

بینی

در صورتیکه بینی به صورت برجسته ترسیم شود، غالبا هم ارز رمزی تحلیل تلقی می گردد پسران بیش از دختران به ترسیم بینی به شکل تحول یافته می پردازند.

تعبیر شکلهای با تأکید بر خطوط بینی را باید با مسائل جنسی مرتبط ساخت استمناء، ترس از اختگی.

گوشها

گوشها به ندرت ترسیم می‌شوند (فراوانی ترسیم آنها در ۵ سالگی به ۴ درصد و در ۱۲ سالگی به ۱۷ درصد می‌رسد).

ترسیم گوشها نشان دهنده اشتغالات فکری در مورد "شنوائی" یا "دانستن" است. بر حسب موارد، توجهی که نسبت به گوشها مبذول می‌شود می‌تواند نشانه کنجکاوی (گوش کردن به آنچه گفته می‌شود) رغبت نسبت به موسیقی یا اختلالات شنوائی باشد (هر چند پاره‌ای از کودکان ناشنوا نیز گوشها را ترسیم نمی‌کنند).

برخی از شاگردان ضعیف نیز گرایش دارند که گوشها را بیش از حد بزرگ و تغییر شکل یافته ترسیم کنند. همچنین وجود گوشها به معنای حساسیت نسبت به انتقاد و باز خورد کم و بیش پارانویائی است، هانری اوبر^۱ بر این عقیده است که تغییر شکل پیرامون گوشها بیش از وجود یا افراط در ابعاد آنها، جنبه مرضی دارد.

موها

دختران بیش از پسران به موها توجه می‌کنند و نوجوانان برای مدل موها آدمک بسیار اهمیت قائل می‌شوند موها را می‌توان با نیازهای شهوی و سرزندگی جنسی مرتبط دانست اما در مقایسه با توجهی که به بینی مبذول می‌شود نشان دهنده فرافکنی ابتدائی‌تر و کودکانه‌تری است. همچنین از موها به منزله نقاب و پرده استفاده می‌شود.

ریش و سبیل

غالباً به منظور تعیین جنسیت آدمک ترسیم می‌شوند محل ترسیم آنها همواره درست نیست و وجود آنها را می‌توان به منزله نشانه اطلاعات جنسی و گاهی اشتغالاتی در این زمینه دانست ریش و سبیل که از ۶ سالگی به بعد در نقاشی کودکان مشاهده می‌شوند، با فراوانی‌های معتبر در هر دو جنس، تقریباً در حد ۲ تا ۲۵ درصد است.

چانه

تأکید بر چانه، نشانه مردانگی، تمایل به تأیید خویشتن و اقتدار است.

گونه‌ها

گاهی از ۷ سالگی به بعد (تقریباً دو درصد در همه سنین) گونه‌ها مشخص می‌شوند و به نظر می‌رسد که مبین حالت سلامت، شادی و بذله‌گوئی باشند.

تنه

تنه غالباً با اعضای تناسلی و ندرتا با دستگاه هاضمه مرتبط است تنه را می‌توان در تضاد با سر که مکان کنترل مغزی است، مکان غرایز دانست. تأکید بر خطوط افقی بین گردن و یا سر (مثلاً کمر)، نشان دهنده کوشش در مهار کردن زندگی غریزی است (اختگی رمزی). در ۲۵ درصد آزمودنی‌های ۱۱-۱۲ ساله تحول یافته‌تری که به مدرسه راهنمایی راه یافته‌اند، فقط بالا تنه آدمک ترسیم می‌شود و این نوع ترسیم مبین مسائل جنسی است.

گردن

خطوط اتصال بین گردن و تنه در کودکانی که دارای مسائل شکل شناختی‌اند (شکل مبنی) و همچنین آنهایی که جاه‌طلب و مغرورند طویل‌تر می‌شود همچنین این ویژگی می‌تواند نشان دهنده کنجکاوی باشد در صورتیکه گردن بصورتی نازک و به هم فشرده ترسیم شود، با کودکانی سروکار داریم که احساس خفگی (روانی) و مشکلات تنفسی دارند. گردن کلفت، نشانه دهنده خشونت است.

فقدان گردن (در سنین بالاتر)، مبین عادی نگری است.

شانه‌ها

شانه‌ها بسیار مشخص و همواره با سینه‌پهن، در آزمودنی‌هایی (به خصوص پسران) دیده می‌شود که برای نیروی جسمانی ارزش خاصی قائل هستند.

پستان‌ها

در جمعیت بهنجار بندرت ترسیم می‌شوند ترسیم آنها در پسران، نشاندهنده ناکامیها و سرخوردگی‌های شدید ذهنی است و در دختران به منزله پذیرش نقش زنانه و ارزنده سازی آن است و همچنین می‌توان ترسیم آنها به منزله نشانه وجود مادری سلطه جو دانست.

ناف

گاهی به صورت یک دکمه یا یک نقطه مشخص می‌شود و علامت وابستگی است. گاهی نیز، بر حسب نظر، اوبر " معرف کودکان و سواسی است پاره‌ای دیگر از مؤلفان عقیده دارند که ترسیم ناف می‌تواند مبین کنجکاوئی‌هایی در باره چگونگی تولد باشد (تصور کودکان ناشی از به دنیا آمدن نوزاد از ناف).

اعضای تناسلی

فقط آزمودنی‌های بسیار ابتدائی، روان گسیخته‌ها یا آنهایی که اشتغالات گسترده‌ای نسبت به مسائل جنسی دارند، به ترسیم اعضای تناسلی می‌پردازند اما در غالب موارد، اعضای تناسلی براساس ترسیم بخش دیگری از بدن (بینی، پاها) یا بخشی از لباس (کمربند) و یا ترسیم اشیائی نوتیز مجسم می‌شود گاهی نیز "ترسیم ناقص" پاره‌ای در خطوط می‌توانند صراحتاً "اعضای تناسلی را نشان دهند.

اعضای داخلی

استثناها " ترسیم می‌شوند و نشانه توجهات و یا اشتغالات هیپوکندریائی بارز هستند و به منزله علائم مرضی محسوب می‌شوند.

اعضا

ساق‌ها مبین ایمنی، تأیید خویشتن، تماس با محیط اطراف و فعالیت جنسی اند در صورتیکه بر نقاط اتصال (زانوها) تأکید شده باشد، نکته‌ای که ندرتا " دیده می‌شود، علامت اشتغالات هیپوکندریائی است.

مابیشتر در مورد وضع بدنی خاطر نشان کردیم که موضع ساق‌ها می‌تواند به گونه‌ای باشد که حرکت را نشان دهد.

ساق‌های طویل، نشان دهنده فعالیت‌اند و ساق‌های کوتاه، در نقاشی کودکان فعل پذیر و بدون ترک دیده می‌شوند.

پاها

پاها که نقاط تماس با محیط‌اند می‌توانند نایمینی، ترس و احساس گنجهکاری ناشی از این محیط را متجلی سازند در صورتیکه به شکل نوک تیز رسم شوند غالباً "تجسم رمیزی عضو تناسلی‌اند. استمناء و احساس ناتوانی به ترسیم پاهائی به رنگ سیاه یا عدم ترسیم پاها منجر می‌شود. تأکید زیاد بر پاها در آزمودنی‌هائی دیده می‌شوند که در برابر دلهره اختگی از خود دفاع می‌کنند.

بازوها

بازوها به منزله اعضای تماس با دیگری، با اشیاء و همچنین با اندام شخصی هستند جهت ترسیم بازوها و همچنین توانائی آنها به منزله چگونگی بکار بسته شدن نیرو، تفسیر می‌شود. در صورتیکه طویل، مستحکم و قوی باشند مبین جاه‌طلبی آزمودنی و نیاز به تحقق خویش‌اند. اما اگر ضعیف و طویل باشند، ناتوانی در تحقق خواسته‌ها را نشان می‌دهند. بازوها می‌توانند نشانه‌هائی در باره اعتماد به نفس، مؤثر بودن، پرخاشگری یا احساس گناه را متجلی سازند. ابعاد آنها در کودکان گسیخته خو و کودکان تقلیلی یافته‌اند.

دستها

دستها نیز مانند پاها به منزله نقاط تماس بین بدن و محیط در نظر گرفته می‌شوند با بررسی آنها می‌توان در مورد احساساتی که فرد نسبت به این رابطه دارد اطلاعات جالبی بدست آورد. اگر دستها ترسیم نشود می‌توان گفت که آزمودنی در برقرار ساختن ارتباط با دیگری ناتوان است یا آنکه واجد احساس گنجهکاری است (دزدی، استمناء).

اگر دستها به پشت برده شده یا آنکه در جیب پنهان شده باشند می‌توان همان معنا را استنباط کرد و همچنین آزمودنی را واجد تمایل به پنهانکاری دانست. اگر دستها دارای انگشتانی نوک تیز باشند (به خصوص اگر ناخنها مشخص باشند) می‌توان ترسیم کننده را بسیار پرخاشگر دانست مسلماً "حرکاتی که آدمک انجام می‌دهد در تفسیر این نکات باید در نظر گرفته شوند.

د - لباسها

لباس در آغاز به منزله وسیله حفاظت بدن در مقابل ضربه‌ها و تعبیرات درجه حرارت محسوب می‌شده است، بنابراین به منزله چیزی بوده است که بخشی از اندام را که به آن پوشش می‌دهد محافظت می‌نموده است در تمدن کنونی، لباس افزون بر نقش حفاظتی، واجد نقش دیگری است و آن ایجاد تعبیراتی در اندام و زیباتر کردن آن است.

بنابراین لباس نشان می‌دهد که فرد مایل است چگونه به نظر آید و همچنین چگونه شخصیت خود را پنهان کند کمروئی فرد یا میل به خودنمایی وی، براساس شیوه لباس پوشیدن مطرح می‌شوند، در مقایسه با مسائلی که براساس اندام آدمک نشان داده می‌شوند، واجد وخامت و عمق کمتری هستند.

"مک اوور" در شیوه لباس پوشیدن به آدمکهای ترسیم شده، دو بازخورد را که هر دو واجد معنای "به خود دلباختگی" اند متمایز می‌کند.

۱) آزمودنی در ترسیم لباس بسیار دقت می‌کند (بخود دلباختگی پوشاکی) چنین شیوه‌ای در برون‌نگری که قبل از هر چیز در جستجوی تأیید اجتماعی‌اند، دیده می‌شود و می‌تواند به سوی نوعی سازش نیافتگی پسیکوپاتیک جهت یابد.

۲) آزمودنی برای اندام آدمک اهمیت زیادی قائل می‌شود اما در ترسیم لباس سهل‌انگاری نشان می‌دهد (به خود دلباختگی بدنی) این بازخورد در درون‌نگرانی که مجذوب خود هستند مشاهده می‌گردد. ممکن است آدمک برهنه یا تقریباً "برهنه (مثلاً با لباس شنا) ترسیم شود چنین نقاشی‌هایی در افراد خودمیان‌بین و فردگرایی دیده می‌شوند که قرار دادهای اجتماعی را طرد می‌کنند. "فلوکل" به بررسی رمزگرایی پوشاک توجه کرده است.

ترسیم لباسهای گرم، مبین نیاز به صحبت مادرانه و حرارت عاطفی است یعنی آزمودنی در این زمینه‌ها احساس کمبود می‌کند.

ترسیم پالتو واجد معنای مشابهی است و گاهی نشانه پنهانکاری است.

مدل موها و همچنین ترسیم اشیائی مانند تاج، کلاه و جز آن معمولا شخصیت و حرفه آدمک را مشخص می کنند وقتی این اشیاء به شکل تحلیل ترسیم شوند، نوعی جابجائی مسائل جنسی را نشان می دهند و آشکار کننده مسئله ای در این زمینه اند که غالبا " با ترس افراختگی مرتبط است .

" مک اوور " بر این باور است که وقتی تبعیت جوئی اجتماعی و هشیاری تحلیلی در تضاد باشد در کودک به ترسیم کلاه مبادرت می ورزد.

شلوار

معمولا " نشانه جنس مذکر است اما به علت اعضائی که به آنها پوشش می دهد، کم و بیش واجد معنای جنسی است .

دامن

مشخص کننده جنس مؤنث است در صورتیکه گشاد، چین دار و تزئین شده باشد به خود دلباختگی زنانه تأکید دارد .

لباس هائی که مربوط به بالا تنه هستند (مثل بلوز، جلیقه، کت و جزء آن) به علت آنکه سینه و قلب یعنی اعضائی که به منزله کانون عواطف محسوب می شوند) را می پوشانند با عواطف آزمودنی در ارتباطند . جزئیاتی که در آنها ترسیم می شوند، غالبا " به کار شخصیت دهی به آدمک می آیند و دلمشغولیهای اجتماعی آزمودنی را نشان می دهند . شیوه ای که براساس آن، این بخش از لباس به آستین ها و بخش پائین لباس متصل شده است نشان دهنده طراز ساختاری طرح بدنی است .

جیبها

نشان دهنده احساس مالکیت و رازو رمزند اگر روی سینه قرار گرفته باشند به پستانها اشارت دارند (دلمشغولی دهانی یا جنسی) .

معمولا " کودکان وابسته یا آنهایی که محرومیت عاطفی دارند به ترسیم جیبها مبادرت می کنند اگر تعداد دکمه ها زیاد بوده و به خصوص روی خط میانه قرار داشته باشند، مبین بازخورد اطاعت در مقابل منع قدرت اند .

اگر فقط یک دکمه روی ناف کشیده شده باشد، کنجکاوی در باره تولد را نشان می‌دهد ترسیم کراوات غالباً برای مشخص کردن شخص مذکر است.

کمربند و خطوط افقی مبین وقفه جنسی هستند. وجود گره، بند بسته و جز آن، نشان دهنده کوشش آزمودنی در مهار کردن خویش است.

کفش در عین حال واجد معنای رمزی مردانه (در صورتی که شکل بیرونی آن نوک تیز باشد) و زنانه (اگر شکل درونی آن گرد باشد) است کفش نیز مانند پا، غالباً واجد معنایی تحلیلی است غالب مؤلفان به جاذبه خاص این بخش از لباس برای همجنس خواهان، اشاره کرده‌اند.

جواهرات مبین عشوه‌گری و بخود دل‌باختگی هستند فراوانی جزئیات و چین و شکن پارچه‌ها نیز دارای همین معناست.

همگرایی نشانه‌ها

پس از بررسی تحلیلی ترسیم، جمع‌آوری نشانه‌های همگرا به منظور کنترل تشخیص، مفید به نظر می‌رسد نشانه‌هایی را که از تست ترسیم آدمک به دست آمده‌اند می‌توان با پاره‌ای رگه‌های خلقی مرتبط کرد، اما باید این نکته در نظر گرفته شود که یک تشخیص همواره باید بر مجموعه‌ای از نشانه‌ها مبتنی باشد و هرگز به یک نشانه خاص اکتفا نگردد.

ترسیم آدمک و پاره‌ای رگه‌های خلقی

الف: هیجان‌پذیری - هیجان‌ناپذیری

هیجان‌پذیری آزمودنی براساس خطوط کمرنگ، منقطع، مردد و گاهی لرزان مشخص می‌شود بدین معنا که نقاش برای تحقق ترسیم با مشکلاتی روبروست از آنچه کشیده احساس رضایت نمی‌کند دائماً به خطوط ترسیم شده باز می‌گردد، خطوط را پررنگ‌تر می‌کند و پاره‌ای از آنها را حذف می‌نماید. آدمک یابسیار کوچک و یا بسیار بزرگ ترسیم می‌شود ساق‌های کوتاه و پاهای کوچک نشان‌دهنده مشکلات تماس اجتماعی وی و احساس کمتری کم و بیش جبران شده‌اند.

گاهی نیز آدمک مرکزیت ندارد و در کناره‌های کاغذ ترسیم می‌شود.

می‌توان جستجوی تکیه‌گاه و ایمنی را براساس ترسیم پیرامون یا طاق و سقف، مشاهده کرد. رنگهای ملایم و همراه با سایه روشن‌اند و گاهی در صورت وجود افسردگی، سایه روشنهای سیاه و خاکستری دیده می‌شوند. حالت صورت آدمک مبین کمروزی و اضطراب است در پیرامون آدمک، نرده‌ها، حفاظها و ابر ترسیم می‌شوند. بالعکس در نقاشی کودکان هیجان‌ناپذیر، خطوط منظم، به اندازه کافی پررنگ و بدون انقطاع و لرزش‌اند. آدمک در وسط صفحه، با نسبت‌های بهنجار و با رنگهای متوسط ترسیم می‌گردد.

ب - ملایمت - خشونت

ملایمت، خوش خلقی، اجتماعی خواهی و فرمانبرداری براساس حدسی از هیجان‌پذیری متجلی می‌گردد (حساسیت نسبت به محیطی که آزمودنی مایل است مورد تأیید آن واقع گردد) افزون بر آن، خطوط انحنا دار غلبه دارند رنگها ملایم و شادند و از آبی و پرتغالی بیشتر استفاده می‌شود بطور کلی، جهت خطوط به سوی بیرون است و بین آنها فضاهائی مشاهده می‌شوند. آدمک تقریباً "کوچک (نشانه تواضع) است و عناصری در پیرامون (رغبت به دیگری، وابستگی به دیگران) ترسیم می‌شوند.

جنبه کلی آدمک زنانه است و حالت بخود دل‌باختگی دارد افراط در این علائم، مشخص کننده نرمش بیش از حد است در مورد اخیر، ترسیم فاقد دقت و جزئیات است.

خشونت و پرخاشگری آزمودنی را وادار می‌کنند که شیوع عمل و موضوع اصلی خود را تحلیل کنند. خطوط زاویه‌دار، پررنگ و برانگیخته و غالباً دارای تیزی‌هایی هستند. جزئیات صورت آدمک مبین خشم (چشمان بیرحم، بینی با پره‌های باز، لبهای کلفت) گاهی دندانها و ناخن‌ها نیز ترسیم می‌شوند.

شانه‌های پهن و مشت‌ها گره کرده‌اند. رمزهای تحلیلی و مردانه ترسیم می‌شوند گاهی آدمک اسلحه دارد یا حرکتی تهدید کننده را انجام می‌دهد گاهی نیز حصاری به دور او کشیده می‌شود که نشانه کوشش آزمودنی در سرکوبی حالت پرخاشگری است رنگها زنده‌اند و همه با رنگ قرمز است که همراه با سبز، نشانه خشم و توأم با سیاه نشانه احساس گنهکاری توأم با آزارگری است.

شادی - افسردگی و دلهره

در کودکان شاد، آهنگ حرکت خوب است و فقدان وقفه براساس وجود حرکت توأم با تعادل کلی شکل، مقطعی می‌گردد. رنگها صریح، متعدد، زنده و شادند. معمولا " بازوها از بدن جدا هستند و گاهی به سوی بالا جهت دارند. صورت آدمک با حالت است (نگاه زنده، حالت خندان بدون تمسخر) رمزهای شاد مانند خورشید و گل وجود دارند.

در حالت غمگینی: خطوط مبهم و سرازیرند تقلیل رنگ آمیزی یا فقدان آن مشاهده می‌شود و غالبا " سایه به روشن خاکستری یا نواحی سیاه شده در نقاشی دیده می‌شوند. اضطراب به تشدید این علائم می‌انجامد ترسیم به کندی انجام می‌شود و آزمودنی گرایش دارد که از مداد پاک کن استفاده کند نقاش به لفاظی، بیان افکار، توجیه یا تشویق خود می‌پردازد خطوط کمرنگ یا پررنگ‌اند، اما غالبا " از سر گرفته می‌شوند آدمک کوچک و خارج از مرکز صفحه است گاهی به جای ترسیم یک آدمک، چندین آدمک کشیده می‌شوند.

آدمک غالبا " معلول است. تنه و ساقها کشیده نمی‌شوند و یا فاقد بازو است و یا بازوها به صورت ناقص و چسبیده به تنه (وقفه) ترسیم شده‌اند.

ساقها کوچک و پاها ناستوارند، نکته‌ای که نشان دهنده فقدان ایمنی است. دهان به صورت خطی کشیده می‌شود و چشمها یا ترسیم نمی‌شوند و یا بیش از حد بر آنها تأکید می‌شود توجه مفرط نسبت به قرینه‌سازی مشاهده می‌گردد، کوششی که بمنظور برقرار ساختن تعادلی ناپایدار است که گاهی براساس مایل بودن آدمک در صفحه متجلی می‌گردد. رنگها سرد و تاریکند رنگهای سیاه توأم با قرمز (رمز خون و پرخاشگری)، به خصوص در نواحی دلهره‌زا، غلبه دارند فقدان ترسیم هر پیرامونی، نشان دهنده احساس است و گاهی بالعکس بر ترسیم پیرامون بسیار تأکید می‌شود (پر کردن افراطی و قالبی ورقه کاغذ).

گاهی یک دایره حفاظت کننده، یک سقف یا یک ماتور حفظ آدمک ترسیم می‌شوند، غالبا " خط مشخص کننده زمین، همراه با علفهای نوک تیز (پرخاشگری) کشیده می‌شود. نشانه‌های پرخاشگری (به منزله مکانیزم دفاعی) غالبا " با دیگر نشانه‌ها، همراهند.

د - حسی نگری - وقفه

در کودکان حسی نگر، معمولاً خطوط پررنگی که با نوساناتی همراهند مشاهده می‌شوند. نقاشی این کودکان، نوعی حساسیت نسبت به اشکال، رنگها و تزئینات را نشان می‌دهد آدمک معمولاً بزرگ، چاق و با صورتی نسبتاً پهن که قاعده‌ای گسترده دارد، کشیده می‌شود و بر ترسیم اعضای حسی (چشمها، دهان، بینی، گوشها و دستها) تأکید بیشتری می‌گردد. اما در ترسیم کودکانی که دچار وقفه هستند، می‌توان تردید، خط خطی کردن و نرمش را مشاهده کرد رنگها سرد، غمگین و کمرنگ‌اند نقاشی‌ها کوچک و کودکانه‌اند و در ترسیم جزئیات حالت و سواسی مشاهده می‌گردد. بازوهای آدمک به تنه چسبیده‌اند و آدمک بی حرکت و بدون انعطاف است.

ه - صداقت - دروغ

آزمودنی صادق معمولاً ترسیم خود را اصلاح نمی‌کند و رنگهای صرح و آشکار بکار می‌برد. گرایش به پنهان کاری و دو سوگرایی براساس استفاده مفرط از رنگها و به خصوص رنگ سیاه و پاک کردن‌های مکرر متجلی می‌گردد.

گاهی به آدمک یک شنل پوشانده می‌شود یا آنکه چشمهایش زیر موها پنهان می‌گردد غالباً از نیمرخ و گاهی از پشت مو ترسیم می‌شود چشمها خالی یا دهان پنهان است. نشانه‌های متناقض در نقاشی مشاهده می‌شوند. اضطراب کاملاً نمایان است.

و - به خود دلباختگی

رضایت و خشنودی از خود براساس زیبایی اشکال، رغبت نسبت به بدن، لباس، جواهرات و تزئینات نشان داده می‌شود.

سر بزرگ است و خطوط چهره (بخصوص چشمها) واجد جزئیات‌اند.

بالعکس، ساقها خوب ترسیم نمی‌شوند بخصوص اگر آدمک همجنس آزمودنی نباشد.

(۱) به خود دلباختگی پوشاکی (از نوع برونگرا) که در آن نیاز به مورد تأیید قرار گرفتن مفرط است.

(۲) به خود دلباختگی یعنی (از نوع درونگرا) که در آن فرد مجذوب خویشتن است.

در حد افراطی به خود دلباختگی، آدمک برهنه ترسیم می‌شود.

ز - ناپایداری روانی - حرکتی

آزمودنی‌های ناپایدار، آدمک را در زمان کوتاهی ترسیم می‌کنند سرهم بندی و خط خطی می‌کنند و از لحاظ طراز رشد یافتگی بسیار ضعیف‌اند بی مهارتی حرکتی براساس خطوط ناقربینه غیرماهرانه و رنگ‌آمیزی نامنظم (بیرون آمدن رنگ از خطوط اصلی شکل) مشخص می‌شود. در این موارد آدمک ندرتا^۱ کامل است انگار بالا و پائین می‌جهد و این حرکات بر اشکال پیرامونی نیز اثر می‌گذارند (درختان متحرک و ناآرام، دود چرخان، راههای متعدد و جزء آن) رنگها تندند و نشانه‌های اضطراب مشاهده می‌شوند.

ح - احساس رهاشدگی

احساس رهاشدگی در نقاشی‌های کوچک و کودکانه‌ای که در آنها ناپایداری براساس ناپایداری پاها که غالبا^۲ نامساویند یا آنکه بر سطح زمین به خوبی متکی نیستند متظاهر می‌گردد و گاهی نیز پاها ترسیم نمی‌شوند.

طرح بدنی از طراز خوبی برخوردار نیست. هنگامی که کودک هنوز از ایجاد ارتباط منصرف نشده است و به عبارت دیگر، اطرافیان را می‌طلبد بر ترسیم خطوط چهره تا مدتی تأکید می‌شود و بازوها به شکل افقی یا به طرف بالا ترسیم می‌گردند اما ناتوانی در برقراری روابط، براساس فقدان بازوها و عدم ترسیم دستها نشان داده می‌شود. نشانه‌های احساسی کهنتری و اضطراب به اشکال مختلف مشاهده می‌شوند.

ط - احساس کهنتری

خطوط پررنگ و مردد یا پررنگ و مقطع، تکرار خطوط و پاک کردن آنها، نشانه‌هایی از فقدان اعتماد به نفس‌اند.

آدمک بسیار کوچک، یا براساس مکانیزم جبران، فزون گسترده است. حالت کلی آدمک تصنعی و نا منعطف است. گاهی ترسیم همراه با تزئینات، می‌تواند نشان دهنده میل آزمودنی به ارزنده شدن از لحاظ اجتماعی باشد. نشانه‌های اضطراب تقریبا^۳ همیشه و نشانه‌های گنهای غالبا^۴ در این نقاشی‌ها دیده می‌شوند.

ی - احساس گنهکاری

احساس گنهکاری غالباً با پرخاشگری یا مسائل جنسی همراه است بنابراین علائمی دال بر وجود مسائل اخیر در نقاشی دیده می‌شوند.

سایه‌ها، سیاه کردن نواحی مورد نظر، بکار بستن رنگهای تیره و ترسیم در ناحیه پائین صفحه ترجمان احساس گنهکاری هستند.

در پرخاشگران، دزدان و استمناء کنندگان، ممکن است دستها و حتی بازوها قطع شده باشند معمولاً چشمها و دهان در کودکانی که براساس دیدن مناظر ممنوعه دچار ضربه شده‌اند، ترسیم نمی‌شوند یاها که در عین حال رمزهایی زنانه و مردانه هستند و مرد را به محل ممنوعه هدایت می‌کنند، ممکن است به رنگ سیاه درآیند یا حذف گردند. نشانه‌های اضطراب همواره با احساس گنهکاری توأم‌اند.

تأخیر تحول عاطفی و واپس‌روی

تأخیر تحول عاطفی یقیناً براساس طراز پائین در مقیاس رشد یافتگی متجلی می‌گردد پاره‌ای علائم نیز مشخص کننده آن هستند شیوه ترسیم: کند، غیر ماهرانه همراه با تردید است. فقدان نسبت‌ها نیز مشهود است و سر به شکل نامتناسب و بسیار بزرگ کشیده می‌شود. آزمودنی در ترسیم اتصالات توفیق نمی‌یابد. در هم بینی‌هایی در تجسم تمام رخ و نیمرخ مشاهده می‌گردند بر خط میانه، مثلاً با کشیدن دکمه‌ها، تأکید می‌شود جنسیت نامتمایز است.

وجود شفافیت (دیده شدن بدن از زیر لباس یا سر از زیر موها یا کلاه) نشان‌دهنده فکری کودکانه و ابتدائی و قضاوتی ضعیف یا به عبارت دیگر، ضعف واقع‌نگری در کودک است.

ورقه نمره گذاری آدمک

مقیاس رشد یافتگی

I - سر				نمره				
۱	وجود سر	F.C.4		۱۳	فاصله صحیح چشمها	F.10		
۲	وجود چشمان	F.C.4		۱۴	ارتفاع صحیح چشمها	F.11, C.12		
۳	وجود دهان	F.5, C.6		۱۵	شکل تحول یافته بینی	F.11		
۴	وجود بینی	F.C.5		۱۶	شکل تحول یافته یا مدل موها	F.11		
۵	وجود موها	F.6, C.11		۱۷	رنگ واقع نگر بینی	F.11, C.10	C	
۶	واقع نگری رنگ زمینه صورت	F.7, C.6		۱۸	لااقل سه جزء از چشمان	F.12	C	
۷	واقع نگری رنگ چشمها	F.7, C.6		۱۹	وجود مردمک	F.C.12	C	
۸	واقع نگری رنگ دهان	F.7, C.6		۲۰	وجود ابروها	F.12	C	
۹	شکل بیضی چشمها	F.8		۲۱	رنگ قرمز دهان	F.12	C	
۱۰	لااقل دو جزء چشمها	F.8		۲۲	مدل خاص موها	F.12		
۱۱	رنگهای کاملاً واقع نگر صورت	F.9, C.10		۲۳	جای صحیح (طول و عرض) چشمها	F.12	C	
۱۲	شکل - تحول مانند دهان	F.C.9						

II - طرح بدنی				نمره				
۱	آدمک قابل شناسائی	F.C.4		۱۷	وجود گردن	F.8, C.11		
۲	نقاشی جهت یافته در صفحه	F.C.4		۱۸	نسبت درست ساقها	F.8, C.11		
۳	وجود لاقط دو جزء بدن	F.4, C.5		۱۹	بازوها وصل به تنه در محل صحیح	F.8, C.11		
۴	وجود تنه	F.4, C.5		۲۰	شکل منعطف ساقها	F.8, C.11		
۵	وجود ساقهای پا	F.4, C.5		۲۱	جنسیت قابل شناسائی	F.C.9		
۶	وجود بازوها	F.4, C.5		۲۲	واقع نگری رنگ دستها	F.9, C.8	C	
۷	بازوها وصل به تنه	F.4, C.5		۲۳	اتصال دستها بدون فضای واسطه‌ای	F.9		
۸	بازوها وصل به تنه	F.C.5		۲۴	پنج انگشت با شست جدا از انگشتان دیگر که بصورت کلی ترسیم شده باشد	F.10, C.11		
۹	وجود پاها	F.C.5		۲۵	انعطاف گردن	F.9, C.11		
۱۰	طول تنه بیش از عرض	F.6, C.5		۲۶	وجود شانهها	F.10, C.9		
۱۱	بازوها با دو خط	F.C.6		۲۷	نسبت درست سر	F.10, C.12		
۱۲	ساقها با دو خط	F.C.6		۲۸	سن قابل تشخیص	F.C.10		
۱۳	پیرامون شکل با مداد سیاه	F.7, C.6		۲۹	وجود کف دست (با یا بدون انگشت)	F.C.10	C	
۱۴	وجود انگشتان (تعداد هر چه باشد)	F.C.7		۳۰	اتصال "بدون حد" ساقها	F.10		
۱۵	نسبت درست بازوها	F.7, C.9		۳۱	اتصال "بدون حد" بازوها	F.11		
۱۶	انعطاف تنه	F.8, C.9		۳۲	موضع منطقی پاها	F.11, C.10		
				۳۳	رنگ مشابه و "واقع نگر" چهرهها و دستها	F.11, C.12	C	

نمره	III - لباس‌ها	
	F.C.5	۱ وجود لباس
	F.C.6	۲ لااقل یک جزء لباس
	F.C.6	۳ وجود شلوار
	F.9 , C.11	۴ وجود کمربند
	F.6 , C.7	۵ کفش‌ها
	F.8 , C.11	۶ لااقل دو جزء لباس
	F.8 , C.11	۷ آستین به رنگ بالاتنه لباس
	F.8 , C.11	۸ آستین‌ها مجزا به دست‌ها
	F.10 , C.12	۹ لااقل سه جزء لباس
	F.12	۱۰ بالاتنه، لباس، مجزا یا نامتصل به گردن
	F.12	۱۱ شلوار نامتصل به ساق‌ها
	F.12	۱۲ واقع‌نگری در رنگ کفش
	F.12	۱۳ لااقل ۴ جزء لباس
	C.12	۱۴ مشخص بودن شخصیت آدمک

هنجار براساس رشد یافتگی

پسران

سن	۳/۵	۴/۵	۵/۵	۶/۵	۷/۵	۸/۵	۹/۵	۱۰/۵	۱۱/۵	۱۲/۵
T	۳	۵	۷	۸	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
S	۴	۶	۱۴	۱۷	۲۰	۲۲	۲۴	۱۵	۱۶	۱۷
V	۰	۰	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۰
مجموع نتایج	۶	۱۰	۲۲	۳۰	۳۹	۴۲	۴۵	۴۷	۴۸	۴۹

دختران

سن	۳/۵	۴/۵	۵/۵	۶/۵	۷/۵	۸/۵	۹/۵	۱۰/۵	۱۱/۵	۱۲/۵
T	۲	۴	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۵	۱۵	۱۶	۱۷
S	۰	۴	۸	۱۴	۱۸	۲۱	۲۵	۲۷	۲۸	۲۹
V	۰	۱	۴	۶	۸	۹	۱۱	۱۱	۱۱	۱۲
مجموع نتایج	۶	۱۳	۲۵	۳۵	۴۲	۴۹	۵۲	۵۴	۵۶	۵۷

ابعاد ترسیم (طول آدمک)

پسران

سن	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	درصد
۱۰٪ نابهنجار	۷	۵	۴							۹	
چارک اول	۱۰	۱۰	۵	۶	۷	۹	۱۱	۹	۱۱	۱۱	
میانه	۱۴	۱۵	۱۰	۸	۱۰	۱۲	۱۵	۱۴	۱۳	۱۳	
چارک سوم	۲۰	۲۲	۱۶	۱۰	۱۴	۱۷	۱۹	۱۷	۱۶	۱۷	
۱۰٪ نابهنجار	۲۶	۲۴	۱۷	۱۱	۱۷	۲۱	۲۲	۲۰	۱۸	۱۸	

دختران

سن	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	درصد
۱۰٪ نابهنجار	۳	۳	۲	۶	۵	۷	۹	۹	۱۲	۱۱	
چارک اول	۴	۵	۷	۷	۹	۱۱	۱۳	۱۳	۱۴	۱۴	
میانه	۹	۱۰	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۵	۱۵	۱۷	۱۸	
چارک سوم	۱۸	۱۴	۱۰	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۱۸	۲۰	۲۲	
۱۰٪ نابهنجار	۲۳	۱۷	۱۱	۱۸	۲۰	۲۱	۲۳	۲۴	۲۳	۲۴	

مقیاس‌های جزئی

براساس کپی‌سازی و برجسته ساختن نتایج مقیاس‌های جزئی، می‌توان به پاره‌ای از ویژگی‌های فردی ترسیم آزمودنی پی برد. در واقع، پاره‌ای از کودکان در ترسیم خود برای سر ارجحیت قایل می‌شوند. پاره‌ای دیگر برای طرح بدنی و بالاخره گروهی نیز برای لباس. بررسی مقیاس‌های جزئی مرزهای بهنجار چنین تغییرپذیری را آشکار می‌سازد:

۱- مقیاس T.S.V

جدول همبستگی‌ها! نشان می‌دهد که نمرات جزئی T.S.V دارای همبستگی بالایی با نمره کل

هستند و مقیاس در کلیت خود دارای انسجام است:

لباس با نمره کل +۰/۸۸

طرح بدنی با نمره کل +۰/۸۱

نمره "سر" بیش از همه مستقل است:

با نمره کل +۰/۶۴

با نمره طرح بدنی +۰/۶۳

با نمره لباس +۰/۵۴

با وجود همبستگی‌های بالنسبه تنگاتنگ بین سه مقیاس جزئی، باز هم براساس نمرات جداگانه آنها می‌توان به تمایز یافتگی‌های بسیار مهمی دست یافت. این تمایز یافتگی‌ها را می‌توان براساس دو شیوه مورد نظر قرار داد:

۱- فاصله مقیاس‌های جزئی با نمره کل.

۲- فاصله بین دو نمره جزئی.

بررسی فاصله سنی نمرات جزئی با سنی که براساس نمره کل بدست می‌آید (یعنی میانگین) نشان

می‌دهد که فاصله تا حد یکسال بیشتر یا کمتر نسبت به نمره کل در مرزهای بهنجار باقی می‌ماند. ۵۰٪

آزمودنی‌ها در این چهار چوب قرار می‌گیرند.

بالعکس ۲۵٪ دارای یک نمره جزئی هستند که یکسال پائین‌تر از نمره کل است. و ۲۵٪ یک نمره جزئی دارند که یکسال از نمره کل آنها بالاتر است.

بنابراین یک انحراف در حد دو سال، نشان دهنده بی‌رغبتی یا رغبت‌های خاص برای ناحیه‌ای است که مقیاس مذکور معرف آن است. این انحراف گاه می‌تواند تا حد ۶ سال باشد.

انحراف نمرات جزئی نسبت به میانگین، براساس سن افزایش می‌یابند (همچنین تعداد موادی که درکارند نیز در سنین بالا بیشتر است).

در کودکانها، تغییر پذیری کمتر است. نمره "لباس" در آنها بطور متوسط یکسال نسبت به نمره کل تاخیر دارد.

در کودکانی که واجد اختلالات عاطفی هستند، انحراف نمره، "سر" است که بیشترین تغییر پذیری را نشان می‌دهد. و حد بالای ۵۰٪ از آزمودنی‌های بخش مرکزی، انحرافی در حد سه سال را نشان می‌دهد. میانگین انحراف هیچ است، اما پراکندگی گسترده‌تر است و بیشترین انحراف در حد ۸ سالگی مشاهده می‌شود. بعبارت دیگر، کودکانی که واجد اختلالات عاطفی هستند بیش از آزمودنی‌های دیگر، از مقیاس "سر" نمره‌ای بدست می‌آورند که با نمره کل هماهنگ نیست یعنی گاهی بدتر از بخش‌های دیگر ترسیم شده و زمانی ارجحیت خاصی برای آن قائل می‌شوند.

بطور کلی، اگر فاصله بین دو مقیاس جزئی در حد چهار سال و بیشتر باشد باید آنرا به منزله نابهنجاری تلقی نمود. در این جا مشاهده می‌شود که تغییر پذیری نتایج در کودکانها کمتر و در کودکانی که واجد اختلالات عاطفی هستند به مراتب بیشتر است.

مقیاس رنگ

مواد مربوط به مقیاس رنگ، در نمره‌گذاری مقیاس‌های جزئی دخیل بوده‌اند و براساس حرف C انگلیسی در مجموع مقیاس‌ها بازشناخته می‌شوند.

نمره رنگ یک آزمودنی را با جمع کردن نمراتش در مواردی که علامت دارند بدست می‌آوریم. مجموعاً "یازده ماده مرتبط با رنگ در مقیاس کل وجود دارد.

شش ماده رنگ در بخش 'سر' است:

- رنگ واقع نگر زمینه چهره.

- رنگ واقع نگر چشمها

- رنگ واقع نگر دهان

- رنگ واقع نگر بینی

- رنگهای واقع نگر صورت

- رنگ قرمز دهان

سه ماده با 'طرح بدنی' مرتبط است:

- پیرامون نقاشی با مداد سیاه

- رنگ واقع نگر دستها

- رنگ مشابه واقع نگر چهره و دستها

و دو رنگ مربوط به لباسها است:

- آستین همرنگ با تنه لباس

- واقع نگری رنگ کفشها

جداول هنجارگزینی شده 'نمره رنگ' می تواند مشخص کند که آیا آزمودنی از این زاویه در هنجار

سنی خود قرار دارد و در غیر اینصورت سن رشد یافتگی مغزی در مورد بکار بدن رنگها چیست؟

برای آنکه بتوانیم به تفسیرهای بعدی نتایج دست یابیم باید مشخص کنیم که موفقیت در نمرات

'رنگ' چگونه بدست آمده است براساس فقدان رنگ آمیزی واقع نگر، نکته ای که پسران و دختران را از

یکسو متمایز می کند و از سوی دیگر آشکار کننده بازخوردهای روانی متفاوتی است.

هنجارهای نمرات رنگ (پسران)

سن	Min	Q ₁	Med	Q ₃	Max
۳/۵	۰	۰	۰	۰	۴
۴/۵	۰	۰	۰	۱	۲
۵/۵	۰	۱	۳	۴	۶
۶/۵	۰	۱	۴	۶	۱۰
۷/۵	۱	۴	۶	۸	۱۰
۸/۵	۱	۵	۷	۸	۱۰
۹/۵	۲	۵	۸	۹	۱۱
۱۰/۵	۲	۶	۸	۹	۱۱
۱۱/۵	۲	۶	۸	۹	۱۱
۱۲/۵	۲	۵	۷	۸	۱۱

هنجارهای نمرات رنگ (دختران)

سن	Min	Q ₁	Med	Q ₃	Max
۳/۵	۰	۰	۰	۰	۵
۴/۵	۰	۰	۰	۴	۸
۵/۵	۰	۰	۱	۴	۹
۶/۵	۱	۴	۵	۶	۱۰
۷/۵	۰	۵	۷	۸	۱۰
۸/۵	۱	۶	۸	۹	۱۱
۹/۵	۲	۶	۸	۹	۱۰
۱۰/۵	۲	۷	۹	۹	۱۱
۱۱/۵	۴	۷	۹	۱۰	۱۱
۱۲/۵	۵	۷	۸	۹	۱۱

ارزش مقیاس‌های جزئی خصوصا* در این است که ارزش‌یابی عینی نوع رغبت آزمودنی را نسبت به یک ناحیه خاص تجسم انسانی، نشان می‌دهد. اگر کودک از مرزهای هنجارهای سنی خود خارج شود، باید این ویژگی خاص تفسیر گردد (براساس معانی آنکه در بخش دیگری ارائه خواهند شد).

جدول "علائم تحولی" که فراوانی آنها در سنین مختلف به ۷۵٪ می‌رسد

۴ سالگی

- | <u>پسران</u> | <u>دختران</u> |
|----------------------------------|--|
| ۱- آدمک قابل شناسائی | ۱- آدمک قابل شناسائی |
| ۲- نقاشی جهت یافته در صفحه | ۲- نقاشی جهت یافته در صفحه |
| ۳- وجود سر | ۳- وجود سر |
| ۴- وجود چشم‌ها (حتی به شکل ساده) | ۴- وجود چشم‌ها (حتی به شکل ساده) |
| | ۵- وجود تنه (حتی به صورت اجمالی) |
| | ۶- وجود بازوها (حتی ترسیم شده به یک خط) |
| | ۷- وجود ساق‌ها (حتی به صورت یک خط ساده) |
| | ۸- وجود لااقل دو عنصر: سر، چشم‌ها، تنه، ساق‌ها، موها، دهان |

۵ سالگی

- | <u>پسران</u> | <u>دختران</u> |
|--|------------------------------------|
| ۱- وجود لااقل دو عنصر از عناصر زیرسر، چشم‌ها، تنه، ساق‌ها، موها و دهان | ۱- وجود دهان (شکل ساده یا پیشرفته) |
| ۲- وجود بینی (شکل ساده یا تحول یافته) | ۲- وجود بینی (شکل ساده یا پیشرفته) |
| ۳- وجود تنه (حتی به صورت اجمال) | ۳- وجود پاها |
| ۴- طول تنه بیشتر از عرض آن | ۴- بازوها متصل به بالاتنه |
| ۵- وجود بازوها (حتی به صورت یک خط ساده) | ۵- ساق‌ها متصل به بالاتنه |
| ۶- بازوها وصل به تنه | ۶- وجود لباس |
| ۷- وجود ساق‌ها (حتی به صورت یک خط ساده) | |
| ۸- ساق‌ها وصل به تنه | |
| ۹- وجود پاها | |
| ۱۰- وجود لباس | |

۶ سالگی

- | <u>پسران</u> | <u>دختران</u> |
|------------------------------------|-----------------------------|
| ۱- تمام پیرامون نقاشی با مداد سیاه | ۱- وجود موها (رنگ واقع‌نگر) |
| ۲- رنگ واقع‌نگر چشم‌ها | ۲- بازوها با دو خط |
| ۳- وجود دهان (شکل ساده یا پیشرفته) | ۳- ساق‌ها با دو خط |
| ۴- رنگ واقع‌نگر دهان | ۴- طول تنه بیش از پهنای آن |
| ۵- بازوها با دو خط | ۵- وجود پاشنه |
| ۶- ساق‌ها با دو خط | ۶- وجود کفش‌ها |
| ۷- وجود پاشنه | ۷- لااقل یک جزء لباس |
| ۸- لااقل یک جزء لباس | |

۷ سالگی

دختران

پسران

- | | |
|-----------------------------------|-----------------|
| ۱- وجود انگشتان | ۱- وجود انگشتان |
| ۲- نسبت صحیح بازوها | ۲- وجود کفش‌ها |
| ۳- تمام پیرامون نقاشی بامداد سیاه | |
| ۴- رنگ واقع نگر چشم‌ها | |
| ۵- رنگ واقع نگر دهان | |
| ۶- رنگ واقع نگر زمینه چهره | |
| ۷- لااقل دو جزء لباس | |

۸ سالگی

دختران

پسران

- | | |
|--|-------------------------------|
| ۱- شکل پیشرفته چشم‌ها | ۱- خط سیاه بینی |
| ۲- وجود دو جزء چشم‌ها یا بیشتر | ۲- رنگ واقع نگر در زمینه چهره |
| ۳- وجود گردن | ۳- رنگ واقع نگر دست‌ها |
| ۴- شکل "منعطف" تنه | ۴- لااقل دو جزء لباس |
| ۵- وجود تنه (حتی به صورت اجمالی) | |
| ۶- وجود بازوها (حتی ترسیم شده به یک خط) | |
| ۷- وجود ساق‌ها (حتی به صورت یک خط ساده) | |
| ۸- وجود لااقل دو عنصر: سر، چشم‌ها، تنه، ساق‌ها، موها، دهان | |
| ۹- آستین‌ها مجزا یا نامتصل به دست‌ها | |

۹ سالگی

دختران

پسران

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱- شکل پیشرفته موها (به سر کلا "پوشش دهد یا واحد یک مدل باشد). | ۱- شکل پیشرفته دهان |
| ۲- شکل پیشرفته دهان | ۲- شکل پیشرفته بینی |
| ۳- رنگ کاملاً واقع نگر صورت | ۳- وجود موها |
| ۴- رنگ واقع نگر دست‌ها | ۴- شکل "منعطف" تنه |
| ۵- گردن "منعطف" | ۵- بازوها متصل به تنه در محل صحیح |
| ۶- اتصال ساق‌ها بدون فضا بین آن دو | ۶- مشخص بودن جنسیت |
| ۷- مشخص بودن جنسیت | |
| ۸- وجود کمربند | |

۱۰ سالگی

دختران

- ۱- نسبت صحیح سر
- ۲- فاصله صحیح چشمها
- ۳- وجود شانه
- ۴- وجود کف دست افزودن بر انگشت
- ۵- اتصال ساقها به تنه بدون وجود خط محدودکننده
- ۶- قابل تشخیص بودن سن
- ۷- بالاتنه لباس "مجزا" یا نامتصل به گردن
- ۸- لااقل سه جزء لباس

پسران

- ۱- شکل تحول یافته چشمها
- ۲- رنگ کاملاً واقع نگر صورت
- ۳- رنگ کاملاً واقع نگر و یکرنگ صورت و دستها
- ۴- اتصال بازوها به تنه بدون خط محدودکننده
- ۵- وجود کف دست افزودن بر انگشتها
- ۶- شکل "منعطف" ساقها
- ۷- اتصال ساقها بدون فضا بین آن دو
- ۸- موضع منطقی پاها
- ۹- قابل تشخیص بودن سن
- ۱۰- آستینها هم رنگ بالاتنه لباس
- ۱۱- آستینها "مجزا" یا "نامتصل" به دستها
- ۱۲- رنگ واقع نگر کفشها

۱۱ سالگی

دختران

- ۱- جای صحیح چشمها از لحاظ طول
- ۲- شکل پیشرفته بینی
- ۳- خط سیاه بینی
- ۴- اتصال بازوها به تنه بدون خط محدودکننده
- ۵- ترسیم ۵ انگشت یا شست متمایز از بقیه انگشتان
- ۶- رنگ کاملاً واقع نگر و یکرنگ صورت و دستها
- ۷- موضع منطقی پاها

پسران

- ۱- وجود گردن
- ۲- وجود شانه
- ۳- نسبت صحیح بازوها
- ۴- نسبت صحیح ساقها
- ۵- اتصال ساقها به تنه بدون خط محدودکننده
- ۶- وجود کمربند

۱۲ سالگی

دختران

- ۱- جای صحیح چشمها در طول و عرض
- ۲- وجود مردمک
- ۳- وجود ابرو
- ۴- وجود سه جزء یا بیشتر چشمها
- ۵- دهان قرمز
- ۶- مدل مو
- ۷- شلوار نامتصل با پاها
- ۸- رنگ واقع نگر کفشها
- ۹- لااقل چهار جزء لباس
- ۱۰- مشخص بودن "شخصیت" آدمک

پسران

- ۱- نسبت صحیح سر
- ۲- جای صحیح چشمها در عرض
- ۳- به جای صحیح چشمها در طول
- ۴- وجود مردمک
- ۵- شکل تحول یافته موها
- ۶- مشخص بودن "شخصیت" آدمک